إصدارات أنصار الإمام المهدي / العدد (۱۱۰)

**انتشارات انصار امام مهدی**

الأجوبة الفقهية

(كتاب الصلاة)

پاسخ‌های فقهی

(کتاب نماز)

أجوبة وصي ورسول الإمام المهدي

السيد أحمد الحسن

پاسخ‌های وصی و فرستادۀ امام مهدی

سید احمد الحسن

إعداد

الشيخ علاء السالم

گردآوری و تنظیم

علا سالم

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی

**طبعة مزيدة**

الطبعة الثانية

١٤٣٢ هـ - 2011 م

|  |  |
| --- | --- |
| نام کتابنویسندهگردآوری و تنظیممترجمنوبت انتشارتاریخ انتشارکد کتابویرایش ترجمه | پاسخ‌های فقهی (کتاب نماز)احمدالحسنعلا سالمگروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدیدوم۱۳۹۶1/131اول |
|  |

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

**جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن**

 **به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.**

[www.almahdyoon.co/ir](http://www.almahdyoon.co/ir)

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً**

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین الائمه و المهدیین و سلّم تسلیماً

عن الحارث بن المغيرة النصري: (قلت لأبي عبد الله : بأيِّ شيء يُعرف الإمام القائم ، قال : بالسكينة والوقار. قلت: وبأيِّ شيء؟ قال: تعرفه بالحلال والحرام، وبحاجة الناس إليه ولا يحتاج إلى أحد، ويكون عنده سلاح رسول الله . قلت: أيكون إلا وصي ابن وصي؟ قال: لا يكون إلا وصي وابن وصي) غيبة النعماني: ص١٢٩.

از حارث بن مغیره نصری روایت شده است: به ابو عبد الله عرض کردم: امام قائم با چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: (با سکینه و وقار). عرض کردم: و با چه ابزاری؟ فرمود: (او را با حلال و حرام می‌شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول خدا نزد او می‌باشد). عرض کردم: آیا او جز وصیِ فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: (جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی است).([[1]](#footnote-1))

على ضوء هذا النهج الإلهي الذي أوضحه آل محمد  في التعرّف على الإمام القائم أضع بين يدي أنصار الله - أنصار الإمام المهدي (١٦٩) سؤالاً مما يعمّ بها الابتلاء، كانت قد وجِّهت إلى السيد أحمد الحسن في ما يرتبط بأحكام الصلاة، وأغلبها لا تحتويه العبارة في باب الصلاة من كتاب شرائع الإسلام، لذا كان لزاماً تدوين هذه الأجوبة عبر حلقات، وسنرى سهولة العبارة ووضوحها كوضوحهم روحي فداهم.

در پرتو این راه آشکار و روشن الهی ـ‌که آل محمد در شناسانیدن امام قائم تبیین فرموده‌اند‌ـ ۱۶۹ پرسشی را که به طور معمول بیش‌تر مردم مبتلابه‌شان می‌باشند به انصار خداوند ـ‌انصار امام مهدی‌ـ تقدیم می‌کنم؛ پرسش‌هایی که در رابطه با احکام نماز به سید احمدالحسن ارایه شده و مضمون بیش‌ترشان در فصل نمازِ کتاب (احکام نورانی اسلام) (شرایع‌الاسلام) نیامده است؛ از این رو تدوین این پاسخ‌ها در قالب بخش‌هایی لازم بود و به این ترتیب شفاف و روشن بودن عبارت‌های مربوط به این احکام را همان طور که آل محمد ـ‌که جانم فدایشان باد‌ـ روشن فرموده‌اند را خواهیم دید.

سيدي أحمد الحسن .. إن حال بيننا وبينك المقدور، وتعاقبت الأيام بعد انتظارك سنين ودهوراً، فصرت شريداً طريداً، ولكن أبت رحمتك بنا نحن أهل الخطايا المقصرين في حقكم آل محمد، إلا أن تأخذ بأيدينا إلى صراط الله القويم وتبين لنا حلاله وحرامه، لتكتمل حلقة الطهارة بولايتكم التي اخذ الله سبحانه على الخلق ميثاقها.

آقای من، احمدالحسن.... هر چند میان ما و شما حایلی تقدیر شده است و روزها در انتظارت به ماه‌ها و سال‌ها منتهی شد، و شما آواره و رانده شدی، اما لطف و رحمت خود را از ما که خطاکارانی تقصیرکار در حق شما آل محمد هستیم دریغ نفرمودی؛ جز این نیست که دست ما را بگیری و به راه راست استوار الهی رهنمون سازی و حلال و حرامش را به ما بنمایانی، تا آن حلقۀ پاک به ولایت شما تکمیل گردد؛ همان ولایتی که خداوند سبحان عهد و میثاقش را از خلایق گرفته است.

أضع يبن يديك يا بن رسول الله ما جمعته من شرع الله الذي أوضحتَه بأجوبة الأسئلة التي تواردت عليك، أجبتها رغم كل ما تمر به من قساوة الدهر وأهله، وكان شرعاً أريد له أن يغيب كتغييبكم أهل البيت ليملأ العلماء غير العاملين حياة الناس بأحكام لا تمتّ إلى دين الله وشرعه بصلة أبداً. والله سبحانه أسال وأرجو أن يمكّن لك في أرضه لإقامة دينه وحاكميته، والحمد لله رب العالمين.

ای پسر رسول خدا! آنچه را که از شرع خداوند ـ‌که با پاسخ دادن به سوالاتی که بر شما عرضه شده است برای ما روشن ساختی‌ـ گردآوری نمودم، تقدیم پیشگاه‌تان می‌کنم؛ سوالاتی که با تمام قساوت و سنگدلی این روزگار و اهالی‌اش اقدام به پاسخ دادن‌شان نمودی؛ احکام و شریعتی که اینگونه اراده شده بود که همچون غیبت شما غایب و پنهان بمانند تا عالمان بی‌عمل زندگانیِ مردمان را با احکام و دستوراتی که به هیچ وجه راهی به دین خدا و شرع او ندارند آکنده سازند. از خدای سبحان مسألت دارم و امیدوارم که برای بر پا شدن دین و حاکمیتش شما را در زمینش تمکین دهد؛ و سپاس و ستایش تنها از آنِ خداوند، آن پروردگارِ جهانیان است.

٨ / ذو الحجة الحرام / ١٤٣١

 علاء

۸ ذی الحجـﺔ الحرام ۱۴۳۱([[2]](#footnote-2))

علاء



پاسخ‌های فقهی

 (کتاب نماز)

**فهرست**

[**پاسخ‌های فقهی کتاب نماز** 4](#_Toc488350740)

[مقدمات نماز 9](#_Toc488350741)

[تعداد نمازها 9](#_Toc488350742)

[وقت نمازها 10](#_Toc488350743)

[قبله: 17](#_Toc488350744)

[لباس نمازگزار 19](#_Toc488350745)

[مکان نمازگزار: 24](#_Toc488350746)

[آنچه بر آن سجده می‌شود 26](#_Toc488350747)

[اذان و اقامه 29](#_Toc488350748)

[افعال نماز 34](#_Toc488350749)

[نيّت: 34](#_Toc488350750)

[تكبيرة الاحرام: 35](#_Toc488350751)

[قيام: 38](#_Toc488350752)

[قرائت: 38](#_Toc488350753)

[ركوع: 42](#_Toc488350754)

[سجده: 44](#_Toc488350755)

[سلام: 46](#_Toc488350756)

[قطع کردن نماز: 46](#_Toc488350757)

[نماز جمعه: 46](#_Toc488350758)

[نماز آيات: 53](#_Toc488350759)

[نماز درخواست باران (استسقا): 56](#_Toc488350760)

[دو سجدۀ سهو: 57](#_Toc488350761)

[قضای نماز: 57](#_Toc488350762)

[نماز استیجاری: 60](#_Toc488350763)

[نماز جماعت: 63](#_Toc488350764)

[آنچه مربوط به مسجدها می‌شود 69](#_Toc488350765)

[نماز مطارده یا نماز ترس شدید: 70](#_Toc488350766)

[نماز مسافر و وطن: 70](#_Toc488350767)

[مسئلۀ کثیر السفر (سفر بیش از در وطن ماندن): 73](#_Toc488350768)

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**وصلى الله على محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً**

بسم الله الرحمن الرحیم

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین الائمه و المهدیین و سلّم تسلیماً

أضع بين أيدي المؤمنين أجوبة فقهية للسيد أحمد الحسن على أسئلة وجهت إليه تتعلق بمسائل الصلاة، قمت بترتيبها حسب تسلسل المادة المطروحة في كتاب الصلاة من شرائع الإسلام - الجزء الأول / للسيد أحمد الحسن .

پاسخ‌های فقهی سید احمدالحسن را در مورد پرسش‌هایی که در خصوص مسایل مربوط به نماز از ایشان پرسیده شده است تقدیم به مؤمنان می‌کنم. این پرسش‌ها را به همان ترتیب مطرح شده در فصل نماز از جلد اول کتاب (احکام نورانی اسلام) (شرایع‌الاسلام) مرتب نموده‌ام.

\* \* \*

مقدمات الصلاة

**مقدمات نماز**

**أعداد الصلاة (النوافل):**

**تعداد نمازها**

س١/ هل يجوز في النوافل قراءة سورة الحمد فقط ؟

پرسش ۱:

آیا جایز است در نوافل فقط سورۀ حمد خوانده شود؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٢/ هل يجوز أن يقتصر المصلي في نافلة الظهر أو العصر أو بقية النوافل على ركعتين فقط، وبالنسبة لصلاة الليل هل يصح الاكتفاء بالشفع والوتر ؟

پرسش ۲:

آیا جایز است نمازگزار نافلۀ نماز ظهر، نماز عصر و همچنین سایر نوافل را به دو رکعت کوتاه نماید؟ و آیا صحیح است نماز شب را به نمازهای شفع و وتر بسنده نماید؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

\* \* \*

**مواقيت الصلاة:**

وقت نمازها

س٣/ متى يكون منتصف الليل ؟

پرسش ۳:

نیمه‌شب چه هنگام است؟

ج/ منتصف الليل هو منتصف الوقت بين غروب الشمس وطلوع الفجر الصادق أي منتصف الوقت بين وقتي صلاة المغرب والفجر.

پاسخ:

نیمه شب، نیمۀ زمان بین غروب خورشید و طلوع فجر صادق است؛ یا همان نیمۀ زمان بین وقت نماز مغرب و فجر می‌باشد.

س٤/ لو صلى عند سماع الأذان ثم انكشف عدم دخول وقت الفريضة ما حكم صلاته؟

پرسش ۴:

اگر (شخصی) هنگام شنیدن صدای اذان نماز بخواند سپس معلوم شود که داخل وقت نماز نشده است، نمازش چه حکمی دارد؟

ج/ يعيد صلاته.

پاسخ:

نمازش را تکرار می‌کند.

س٥/ بعد أن أكمل صلاة الظهر تذكر أنه لم يأت بصلاة الصبح من نفس اليوم ولا يمكنه العدول، فماذا يفعل ؟

پرسش ۵:

اگر پس از تمام کردن نماز ظهر به یاد آورد که نماز صبح آن روز را نخوانده است و امکان بازگشت نداشته باشد، چه باید بکند؟

ج/ يقضيها بعدها.

پاسخ:

پس از آن، قضایش را به جا می‌آورد.

س٦/ هناك تحديد لأوقات الصلاة وهي موضحة في الشرائع، ماذا إذا لم يكن بوسع المكلف معرفة الوقت بها وهو يعيش في بلدان غير إسلامية يقصر فيها النهار جداً ؟

پرسش ۶:

وقت‌های معینی برای نمازها مشخص شده که در کتاب شرایع مشخص است؛ اگر مکلّف نتواند وقت نمازها را تشخیص دهد و در سرزمینی غیر اسلامی باشد و روز در آن سرزمین بسیار کوتاه باشد، تکلیف چیست؟

ج/ بالنسبة لوقت المغرب يمكن تمييزه بسهولة لأنه عبارة عن غياب القرص، أما الزوال فإن عجز عن تمييزه كما مبين في الشرائع ولم يكن عنده جدول حساب دققه ويعتمد عليه فيعتبر الزوال منتصف الوقت بين الشروق والغروب، وأما وقت الفجر فإن كان بالإمكان ترقبه ومعرفته من علامته التي بينتها في الشرائع فبها، وإلا فهو يحسب عندما تكون الشمس ١٩ درجة تحت الأفق، وإن لم يمكن هذا فهو قبل الشروق بساعة ونصف أي ٩٠ دقيقة.

پاسخ:

در خصوص وقت مغرب، تشخیص آن به راحتی انجام می‌گیرد، چرا که عبارت است از ناپدید شدن قرص خورشید. اما در مورد زوال (نیم‌روز) اگر ـ‌همان‌طور که در شرایع آمده است‌ـ ناتوان از تشخیص آن باشد و جدول محاسباتی دقیقی هم در اختیار نداشته باشد که بتواند به آن اعتماد کند، زوال را نیمۀ فاصلۀ زمانی طلوع و غروب به حساب آورد. اما در مورد وقت فجر (نماز صبح) اگر بتواند آن را با توجه به علامتش ـ‌که در کتاب شرایع بیان کردم تشخیص دهد‌ـ چنین کند، وگرنه وقت آن را موقعی که خورشید ۱۹ درجه زیر افق قرار دارد محاسبه می‌نماید و اگر این امکان فراهم نباشد وقتش یک ساعت و نيم ـ‌یا ۹۰ دقیقه‌ـ پیش از طلوع می‌باشد.

س٧/ عندما يكون لتحديد وقت الصلاة أكثر من خيار كما في التعرف على صلاة الفجر مثلاً، فهل المكلف بالخيار بالعمل بأي تحديد شاء ؟

پرسش ۷:

برای مشخص نمودن وقت نماز ـ‌به عنوان مثال مشخص نمودن وقت نماز صبح‌ـ بیش از یک انتخاب وجود دارد. آیا مکلّف می‌تواند به هر کدام از انتخاب‌ها با صلاح‌دید خود عمل کند؟

ج/ ترتيب وليس تخيير وهذا هو النص: (وأما وقت الفجر فإن كان بالإمكان ترقبه ومعرفته من علامته التي بينتها في الشرائع فبها، وإلا فهو يحسب عندما تكون الشمس ١٩ درجة تحت الأفق، وإن لم يمكن هذا فهو قبل الشروق بساعة ونصف أي ٩٠ دقيقة).

پاسخ:

در این خصوص ترتیب وجود دارد نه حق انتخاب؛ متن (مربوط به وقت نماز صبح) به شرح زیر می‌باشد: (اما وقت فجر (نماز صبح)، اگر بتواند آن را با توجه به علامتش ـ‌که در کتاب شرایع بیان کردم‌ـ تشخیص دهد، چنین کند وگرنه وقت آن را موقعی که خورشید ۱۹ درجه زیر افق قرار دارد محاسبه می‌نماید و اگر این امکان فراهم نباشد، وقتش یک ساعت و نيم ـ‌یا ۹۰ دقیقه‌ـ پیش از طلوع می‌باشد).

س٨/ أحد طرق تحديد الفجر هو أن تكون الشمس ١٩ درجة تحت الأفق، كيف يمكن التعرف على ذلك ؟

پرسش ۸:

یکی از راه‌های مشخص کردن فجر (وقت نماز صبح) این است که خورشید ۱۹درجه زیر افق باشد. چگونه می‌توان به آن پِی برد؟

ج/ بالحسابات الرياضية المتوفرة لحركة الشمس والأرض.

پاسخ:

با محاسبات ریاضیاتی که در زمینۀ حرکت خورشید و زمین وجود دارد.

س٩/ هل يجوز في معرفة الوقت الاعتماد على تقويم الأوقات التي تعمل في بلدان غير إسلامية، أو في بلدان إسلامية أهلها غير مؤمنين ؟

پرسش ۹:

آیا برای تشخیص وقت نماز جایز است به گاه‌شمارهایی که در کشورهای غیر اسلامی یا در کشورهای اسلامی که ساکنین آن مؤمن نیستند تدوین می‌شود، اعتماد کنیم؟

ج/ التقويم إذا كان موافقاً للأوقات الشرعية يجوز العمل به، فلابد أولاً من فحص التقويم وتدقيق مدى مطابقته للوقت الشرعي قبل العمل به.

پاسخ:

اگر تقویم با اوقات شرعی سازگار باشد عمل به آن جایز است؛ پس باید پیش از عمل براساس آن، ابتدا در مورد تقویم و میزان مطابقتش با وقت شرعی تحقیق شود.

س١٠/ الصلاة في القطب والأماكن التي لا تشرق بها الشمس لفترة من الزمن، أو التي تشرق بها الشمس لفترة من الزمن دون أن تغيب، أو التي تشرق بها لفترة وجيزة الخ، كيف تكون ؟

پرسش ۱۰:

نماز در قطب و مکان‌هایی که برای مدتی خورشید در آن نمی‌تابد یا برای مدتی بدون اینکه پنهان شود می‌تابد، یا مناطقی که مدت اندکی در آن می‌تابد و ...، به چه صورت است؟

ج/ بالنسبة للصلاة في الأماكن المذكورة:

پاسخ:

در مورد نماز در مکان‌های ذکر شده:

إن تميز عنده شروق وغروب صحيحان كليان، أي مع ظلام وضوء وفجر صادق فيعمل بحسبهما كما مبين في الشرائع.

اگر طلوع و غروب خورشید را تشخیص دهد، هر دو صحیح است؛ یعنی با تاریک شدن، روشنایی و فجر صادق. در این صورت ـ‌همان‌طور که در شرایع گفته شده‌ـ باید طبق آن عمل نماید.

وإن تميز عنده شروق وغروب ولم يتميز عنده ظلام وضوء (فجر صادق) قبل الشروق، فصلاة المغرب وقتها غروب الشمس، وصلاة الفجر وقتها من ساعة ونصف قبل شروق الشمس إلى شروقها، هذا إن كان وقت الليل أو غياب الشمس أكثر من ساعة ونصف. أما إن كان وقت الليل أو غياب الشمس ساعة ونصف أو أقل، فصلاة الفجر وقتها يمتد من بعد الغروب وما يكفي لأداء صلاتي المغرب والعشاء إلى ما قبل شروق الشمس، والإمساك وقته إلى ما قبل شروق الشمس ولو بلحظة سواء كان غروب الشمس ساعة أو عشر ساعات.

اگر طلوع و غروب را تشخیص دهد، ولی تاریکی و روشنایی (فجر صادق) پیش از طلوع خورشید را تشخیص ندهد، وقت نماز مغرب، هنگام غروب خورشید و وقت نماز صبح، از یک ساعت و نیم پیش از طلوع خورشید تا طلوع آن می‌باشد؛ این در صورتی است که مدت شب یا پنهان شدن خورشید بیشتر از یک ساعت و نیم باشد. اگر مدت شب یا پنهان شدن خورشید یک ساعت و نیم یا کمتر باشد وقت نماز صبح از بعد از مغرب به اضافۀ خواندن نماز مغرب و عشا تا پیش از طلوع خورشید ادامه می‌یابد، و وقت امساک تا پیش از طلوع خورشید می‌باشد حتی اگر یک لحظه باشد؛ می‌خواهد غروب خورشید، یک ساعت باشد یا ده ساعت.

وإن لم يتميز عنده شروق وغروب: فهو إما يكون ليلاً مستمراً أو نهاراً مستمراً ٢٤ ساعة، وفي كلا الحالين يقسم الوقت إلى ١٢ ساعة نهار و١٢ ساعة ليل.

اگر نتواند طلوع و غروب را تشخیص دهد و یا شب ۲۴ ساعت یا روز ۲۴ ساعت ادامه داشته باشد، در هر دو حالت، (شبانه روز) به ۱۲ ساعت روز و ۱۲ ساعت شب تقسیم می‌شود.

أما كيف يحددهما، أي حدود كل ١٢ ساعة ؟

اما چگونه آن دو را مشخص نماید؛ یعنی حدود هر۱۲ ساعت را؟

ففي النهار المستمر يمكنه أن يحدد منتصف النهار لليوم من أعلى نقطة لقرص الشمس خلال ذلك اليوم، فتكون هذه النقطة هي منتصف النهار أي منتصف ألـ ١٢ ساعة.

در وضعیتی که همواره روز است می‌تواند در آن روز نیمۀ روز را هنگامی که قرص خورشید در بالاترین نقطه قرار دارد مشخص کند؛ این نقطه، نیمۀ روز می‌باشد؛ یا نیمۀ ۱۲ ساعت.

أما إن كان ليلاً مستمراً أي أنه لا يوجد شروق للشمس فيكون الوقت الأكثر إضاءة هو منتصف النهار أي منتصف ألـ ١٢ ساعة.

اما اگر همواره شب باشد یعنی طلوع خورشید وجود نداشته باشد، نورانی‌ترین هنگام، نیمۀ روز یا همان نیمۀ ۱۲ ساعت می‌باشد.

وهذا منتصف النهار هو وقت الزوال أي يصلي فيه الظهرين.

این نیمۀ روز همان وقت زوال محسوب می‌شود، یا وقتی که نماز ظهر و عصر در آن اقامه می‌شود.

فوقت صلاة الفجر يمتد من قبل الشروق المفروض بساعة ونصف إلى الشروق.

وقت نماز صبح یک ساعت و نیم پیش از طلوع فرضی تا طلوع می‌باشد

ويصلي المغرب عند وقت الغروب المفروض.

و نماز مغرب را هنگام مغرب فرضی می‌خواند

والصيام يعتمد على وقتي طلوع الفجر والغروب أو وقتي صلاة الفجر وصلاة المغرب.

و در روزه به وقت طلوع فجر و وقت مغرب یا وقت نماز صبح و نماز مغرب اعتماد می‌شود.

س١١/ في الجواب السابق (في فرض كون الليل أو غروب الشمس ساعة ونصف أو أقل) ورد: (والإمساك وقته إلى ما قبل شروق الشمس ولو بلحظة سواء كان غروب الشمس ساعة أو عشر ساعات)، ما وجه الترديد بين الساعة والعشر ساعات ؟

پرسش ۱۱:

در پاسخ پیشین: (در حالتی که شب یا غروب خورشید یک ساعت و نيم یا کمتر باشد) گفته شد: (وقت امساک تا پیش از طلوع خورشید می‌باشد حتی اگر یک لحظه باشد؛ می‌خواهد غروب خورشید، یک ساعت باشد یا ده ساعت). علت آوردن بین یک ساعت و ده ساعت چیست؟

ج/ هو مثال للتوضيح.

پاسخ:

مثالی برای روشن شدن مطلب می‌باشد.

س١٢/ المحبوس الذي لا يعلم بأوقات الصلاة ولا يعرف ليلاً من نهار, کيف يؤدي فرائضه ؟

پرسش ۱۲:

زندانی که از اوقات نماز بی‌خبر است و شب را از روز تشخیص نمی‌دهد نمازهای واجبش را چگونه به جا آورد؟

ج/ إذا كان يستطيع تحصيل ظن أو الاحتمال بدخول الوقت, فإنه يعمل ويؤدي فرائضه بحسب الظن أو الاحتمال الذي حصله, وإذا لم يكن يستطيع تحصيل حتى الاحتمال فأنه يوزع الفرائض الخمس على مدة استيقاضه فيكون عمله هكذا: عند استيقاضه من النوم يصلي الفجر, وقبل أن ينام يصلي المغرب والعشاء, وبينهما (أي بين الفجر والمغرب) يصلي الظهر والعصر.

پاسخ:

اگر با حدس و گمان بتواند وارد شدن به وقت نماز را تشخیص دهد با همان ظن و گمان یا احتمالی که می‌دهد، نماز بگزارد و اگر حتی احتمالی هم نمی‌تواند داشته باشد نمازهای پنج‌گانه‌اش را در مدت بیدار ماندنش تقسیم کند به این ترتیب که: هنگام بیدار شدن از خواب نماز صبح را به جا آورد، قبل از خوابیدن نماز مغرب و عشا را و بین این دو (یعنی بین صبح و مغرب) نماز ظهر و عصر را بخواند.

س١٣/ ورد في الشرائع: (وإن أدرك الطهارة وخمس ركعات قبل الغروب لزمته الفريضتان) أي الظهر والعصر، فماذا لو كان مضطراً وأدرك قبل الفجر وقتاً يكفيه للطهارة وبعض الركعات، فهل يجب عليه أداء فريضتي المغرب والعشاء ؟

پرسش ۱۳:

درکتاب شرایع آمده است (اگر پاک شد و پنج رکعت پیش از غروب زمان داشته باشد به جا آوردن دو فریضه واجب می‌شود)؛ یعنی فریضه‌های ظهر و عصر. حال اگر شخصی مضطرّ باشد و پیش از فجر پاک شود و برای چند رکعت وقت در اختیار داشته باشد، آیا به جا آوردن فریضه‌های مغرب و عشا برایش واجب می‌گردد؟

ج/ يكفي أن يدرك مقدار أربع ركعات قبل الفجر لتلزمه فريضتا المغرب والعشاء.

پاسخ:

اگر به اندازۀ چهار رکعت پیش از سپیده‌دم وقت داشته باشد، خواندن نمازهای مغرب و عشا بر او لازم می‌گردد.

س١٤/ وعن صلاة الليل إذا حان وقت صلاة الفجر وهو بعدُ لم يتمها ورد في الشرائع: (وإن كان قد تلبس بأربع تممها مخففة ولو طلع الفجر) ماذا يعني تممها مخففة ؟

پرسش ۱۴:

در خصوص نماز شب، اگر وقت نماز صبح برسد و او هنوز (نماز شب را) تمام نکرده باشد، در شرايع آمده است (اگر چهار رکعت از نماز شب را خوانده باشد، نماز‌های نافلۀ شب را به طور مختصر به پایان می‌رساند گرچه اذان صبح را گفته باشند) منظور از (به طور مختصر به پایان می‌رساند) چیست؟

ج/ مخففة: أي يكتفي بقراءة الفاتحة أو الفاتحة وسورة قصيرة معها، ولا يطيل في قنوته.

پاسخ:

به طور مختصر یعنی به خواندن سورۀ حمد یا سورۀ حمد و یک سورۀ کوتاه همراهِ آن اکتفا کند و قنوتش طولانی نباشد.

س١٥/ ورد في الشرائع: (ويمتد وقتهما - ركعتي نافلة الفجر- حتى تطلع الحمرة، ثم تصير الفريضة أولى)، والسؤال: هل يصلي نافلة الصبح بعد طلوع الحمرة المشرقية أداء أم قضاء ؟

پرسش ۱۵:

در شرایع آمده است: (وقت نافلۀ صبح تا آغاز سرخی افق ادامه دارد، و بعد از آن اولویت با نماز صبح است). سؤال: آیا نافلۀ صبح را پس از طلوع سرخی مشرق با نیت ادا به جا می‌آورد یا قضا؟

ج/ إذا طلعت الحمرة المشرقية يصلي الفريضة أداء ومن ثمَّ يصلي نافلة الفجر أداء إذا لم تشرق الشمس، أما إذا أشرقت الشمس بعد أن صلى الفريضة فيصلي نافلة الفجر قضاء إذا أراد.

پاسخ:

اگر سرخی مشرق پدیدار شود، فریضه (نماز واجب) به صورت ادا خوانده می‌شود و سپس نافله صبح هم ادا خوانده می‌شود؛ این در صورتی است که خورشید طلوع نکرده باشد، اما اگر پس از به جا آوردن نماز صبح، خورشید طلوع کرده باشد، اگر خواست می‌تواند نافلۀ صبح را به صورت قضا بخواند.

س١٦/ إذا مر ساعة ونصف في الشتاء من بعد أداء صلاة الظهر، هل يجوز لي أن أصلي نوافل العصر قبل صلاة العصر ؟ وما هي النية هل تكون أداءً أم ماذا ؟

پرسش ۱۶:

اگر در زمستان پس از به جا آوردن نماز ظهر، یک ساعت و نیم گذشته باشد، آیا مجاز هستم پیش از نماز عصر نافله‌های عصر را بخوانم؟ و با چه نیتی؟ با نیت ادا یا چیز دیگری؟

ج/ الأفضل تقديم الفريضة إذا مر وقت النافلة، وتصلي النافلة بعدها أداء.

پاسخ:

اگر وقت نافله گذشته باشد بهتر است ابتدا فریضه به جا آورده شود و نافله پس از آن با نیت اَدا خوانده شود.

س١٧/ هل يجوز الإتيان بنوافل الظهر بعد مرور نصف ساعة من الزوال ؟ وهل اكتفي بها في هذه الحالة قضاءً أم أداءً ؟

پرسش ۱۷:

آیا به جا آوردن نافله‌های ظهر نیم ساعت پس از سپری شدن از ظهر جایز است؟ و آیا در این صورت، به صورت ادا خوانده شود یا به صورت قضا؟

ج/ يجوز، ولكن الأفضل أن يأتي بالفريضة ثم بالنافلة أداءً إذا مرّ بعد الزوال نصف ساعة.

پاسخ:

جایز است، اما اگر نیم ساعت از نیمۀ روز سپری شده باشد بهتر است ابتدا فریضه و سپس نافله را به صورت ادا به جا آورد.

س١٨/ هل ناشئة الليل تُجزي عن نافلة المغرب ؟

پرسش ۱۸:

آیا ناشئۀ شب «ناشئـﺔ اللیل» به جای نافلۀ مغرب کفایت می‌کند؟

ج/ يُصلي نافلة المغرب بهيئة ناشئة الليل فيحصل ثواب ناشئة الليل إن شاء الله.

پاسخ:

اگر نافلۀ مغرب به شکل ناشئۀ شب «ناشئـﺔ اللیل» خوانده شود ـ‌ان‌شاءالله‌ـ ثواب ناشئۀ شب را دارد.

\* \* \*

**القبلة:**

قبله:

س١٩/ هل يمكن الاكتفاء بالبوصلة والمحاريب في تحديد القبلة ؟

پرسش ۱۹:

در تعیین قبله، آیا می‌توان به قطب نما و محراب‌ها اکتفا نمود؟

ج/ يمكن الاكتفاء بالمحاريب ويمكن الاكتفاء بالبوصلة، والأفضل دائماً أن تحدد القبلة بنفسك بواسطة البوصلة.

پاسخ:

اکتفا به محراب‌ها جایز است و همچنین می‌توان به قطب نما اکتفا نمود، و بهتر آن است که همیشه قبله را خودت به وسیلۀ قطب نما معیّن نمایی.

س٢٠/ ورد في الشرائع: (ويجب الاستقبال في الصلاة مع العلم بجهة القبلة، فإن جهلها عوّل على الامارات المفيدة للظن)، والسؤال: هل ممكن إعطاء أمثلة للأمارات المفيدة للظن بجهة القبلة ؟

پرسش ۲۰:

در کتاب شرایع آمده است: (اگر جهت قبله را می­داند، واجب است برای نماز به سوی قبله بایستد، و اگر نتوانست جهت را تشخیص دهد، باید از علایمی که او را به گمان می­رساند، استفاده نماید). پرسش: آیا امکان دارد مثال‌هایی از علامت‌ها و نشانه‌های گمان‌آور به جهت قبله را بیان نمایید؟

ج/ مثلاً: لو أنّ شخصاً في تركيا أو اليونان وهو يعلم أنه في بلد يقع شمال مكة يمكنه الاستفادة من هذه الأمارة في تحديد أنّ القبلة تقع تقريباً في جهة الجنوب بالنسبة له. وأيضاً لو أنه عرف خط الطول الذي تقع عليه مكة وخط الطول الذي تقع عليه المدينة التي يعيش فيها فيمكنه أن يحدد أنّ مكة تقع بالنسبة له في الجنوب الشرقي أو الجنوب الغربي وهكذا، فهو يجمع الأمارات التي يمكنه من خلالها تقدير جهة القبلة. ولو كان يجهل الجهات الأربع يمكنه الاعتماد على نجم الجدي وشروق الشمس وغروبها.

پاسخ:

به عنوان مثال اگر کسی در ترکیه یا یونان باشد و او می‌داند شهری که در آن قرار دارد در شمال مکه واقع شده است، او می‌تواند از این موضوع به عنوان راهنمایی برای اینکه قبله به طور تقریبی در جهت جنوبش قرار دارد استفاده کند. همچنین اگر طول جغرافیایی که مکه بر آن واقع شده است و طول جغرافیایی شهری که او در آن زندگی می‌کند را نیز بداند، می‌تواند به نسبت خودش تعیین کند که مکه در جهت جنوب شرقی‌اش قرار دارد یا در جهت جنوب غربی، و به همین صورت... بنابراین او همۀ نشانه‌ها و علامت‌هایی که می‌تواند با آنها جهت قبله را تشخیص دهد جمع می‌نماید، و اگر هیچ کدام از جهات چهارگانه را نمی‌داند، می‌تواند به ستارۀ قطبی و طلوع و غروبِ خورشید تکیه کند.

س٢١/ حكم الصلاة على الدابة (ويجوز له أن يصلي شيئاً من الفرائض على الراحلة عند الضرورة ويستقبل القبلة، فإن لم يتمكن استقبل القبلة بما أمكنه من صلاته، وينحرف إلى القبلة كلما انحرفت الدابة، فإن لم يتمكن استقبل بتكبيرة الإحرام، ولو لم يتمكن من ذلك أجزأته الصلاة وإن لم يكن مستقبلاً) هل يشمل وسائل النقل في زماننا مثل السيارة والطائرة وغيرها ؟

پرسش ۲۱:

حکم نماز بر روی مَرکَب: (و در صورت ضرورت می­تواند سوار بر مرکب ـ‌درحالی‌که رو به قبله است‌ـ برخی از نمازهای واجب را بخواند و اگر نتوانست همۀ نماز را به سمت قبله بخواند، هر چقدر از نمازش را که می­تواند رو به قبله بخواند و هرگاه مرکب از جهت قبله منحرف شد تا حد امکان به سوی قبله بچرخد، و اگر باز هم نتوانست فقط تکبیرة الاحرام را به سمت قبله بگوید (و بقیۀ نماز را بخواند)، و اگر این کار را نیز نتوانست انجام دهد به هر سو که نماز بخواند کفایت می­کند، حتی اگر رو به قبله نباشد). آیا این حکم شامل وسایل نقلیۀ در زمان ما مثل ماشین، هواپیما و.... نیز می‌شود؟

ج/ الحكم يشمل السيارة والطائرة ووسائل النقل الحديثة.

پاسخ:

این حکم اتومبیل، هواپیما و وسایل نقلیۀ جدید را شامل می‌شود.

\* \* \*

**لباس المصلي:**

لباس نمازگزار

س٢٢/ ما حكم من صلى في لباس لم يخمس فيما إذا علم بعدم تخميسه، أو شك في ذلك ؟

پرسش ۲۲:

حکم کسی که در لباسی که خمسش را نداده است نماز بخواند چیست؟ اگر بداند خمسش داده نشده یا در آن شک داشته باشد.

ج/ لا إشكال في صلاته.

پاسخ:

اشکالی در نمازش نیست.

س٢٣/ ما حكم من أخرج الدم متعمداً في صلاته وكان مقداره من المعفو عنه ؟

پرسش ۲۳:

حکم کسی که عمداً در نمازش از بدنش خون بیرون می‌آورد مقدار خون، به اندازه بخشیده شده و مجاز است، چیست؟

ج/ لا إشكال في صلاته.

پاسخ:

اشکالی در نمازش نیست.

س٢٤/ ما حكم نجاسة ما لا تتم فيه الصلاة كالجورب والحزام وغير ذلك ؟

پرسش ۲۴:

حکم نجاست در لباس‌‌هایی که به تنهایی نمی‌شود در آنها نماز خواند (پوشانندگی ندارند) مثل جوراب، کمربند و.... چیست؟

ج/ موجود الجواب في الشرائع: (ويجوز الصلاة فيما لا يتم الصلاة فيه منفرداً، وإن كان فيه نجاسة لم يعف عنها في غيره).

پاسخ:

در شرایع آمده است: (اگر در لباسی که با آن به تنهایی نمی­شود نماز خواند (یعنی پوشاننده نیست)،([[3]](#footnote-3)) نجاستی باشد که در غیر آن لباس بخشیده شده نیست،([[4]](#footnote-4)) نماز با آن جایز است).

س٢٥/ إذا كان الجلد الملبوس في الصلاة بنحوٍ لا تتم الصلاة فيه، كأن يكون ساعة أو حزام أو ما شابه، وكان من جلد الميتة أو من الحيوان غير المأكول اللحم، فهل يجوز الصلاة به؟

پرسش ۲۵:

اگر چرمی در نماز پوشیده شود و به گونه‌ای باشد که (به تنهایی) با آن نماز خوانده نمی‌شود (پوشاننده نباشد) مثل ساعت، کمربند یا شبیه اینها، و از چرم مردار یا حیوان حرام‌گوشت باشد، آیا نماز با آن جایز است؟

ج/ لا يجوز.

پاسخ:

جایز نیست.

س٢٦/ إن شك في أن اللباس هل هو من شعر وصوف - وغير ذلك مما لا تحله الحياة - الحيوان المأكول اللحم أو من الحيوان غير المأكول فهل يجوز الصلاة فيه ؟

پرسش ۲۶:

اگر شک کنیم در اینکه آیا لباس از مو یا پشمِ (و یا چیزهای دیگری که زندگی در آن وجود ندارد) حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، آیا نماز در آن جایز است؟

ج/ لا تجوز.

پاسخ:

جایز نیست.

س٢٧/ إذا لم يعلم أصل الفرو هل هو من السنجاب أو من غيره، فهل يجوز الصلاة فيه؟

پرسش ۲۷:

اگر نداند اصلِ پوستین از سنجاب است یا چیز دیگر، آیا نماز در آن جایز است؟

ج/ لا يجوز.

پاسخ:

جایز نیست.

س٢٨/ ما هو الخز الذي تجوز الصلاة فيه مع كونه من حيوان غير مأكول اللحم، وكيف يتم ذكاتها ؟

پرسش ۲۸:

خَزی که نماز خواندن در آن جایز می‌باشد کدام است؟ با علم به اینکه از حیوان حرام گوشت است، و چگونه این حیوان تذکیه می‌شود؟

ج/ الخز هو: فراء حيوان القندس وفراء حيوان ثعلب الماء النهري وثعلب الماء البحري (قندس البحر)، ويمكن لبس فرائها (الخز) في الصلاة وإن لم تكن مذكاة، ويجوز لبس فرائها مع الجلد في الصلاة إن كانت مذكاة، وذكاتها كذكاة غيرها من الحيوانات ذات النفس السائلة.

پاسخ:

خز، پوستین سگ آبی، سمور رودخانه و سمور دریایی است و پوشیدن پوستینش (خز) در نماز امکان‌پذیر است ـ‌اگرچه تذکیه شده نباشد‌ـ و پوشیدن پوستین‌هایی از چرم آنها در نماز جایز است اگر تذکیه شده باشند، و نحوۀ تذکیۀ آنها همانند تذکیۀ سایر حیوانات دارای خون جهنده می‌باشد.

س٢٩/ ما حكم لبس الذهب للرجال إن كان في الصلاة أو غيره ؟

پرسش ۲۹:

حکمِ پوشیدن طلا برای مردان در نماز یا غیر نماز چیست؟

ج/ لا يجوز.

پاسخ:

جایز نیست.

س٣٠/ هل يصح حمل الرجل للحرير في الصلاة ؟

پرسش ۳۰:

آیا صحیح است مَرد در نماز، ابریشم همراه داشته باشد؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٣١/ هل تصح صلاة الصبي بلباس فيه حرير ؟

پرسش ۳۱:

آیا نماز بچه با لباسی که در آن ابریشم است، صحیح می‌باشد؟

ج/ تصح.

پاسخ:

صحیح است.

س٣٢/ فيما إذا كان اللباس المغصوب ما لا تتم الصلاة به، فهل يجوز الصلاة به ؟

پرسش ۳۲:

آیا نماز خواندن در لباس غصبی که به تنهایی نمی‌توان با آن نماز خواند (پوشانندگی ندارد) جایز است؟

ج/ لا يجوز.

پاسخ:

جایز نیست.

س٣٣/ هل تصح الصلاة بالملابس الضيقة التي تحكي ما تحتها من حيث التجسيم لا من حيث رقة القماش ؟

پرسش ۳۳:

آیا نماز خواندن با لباس‌های تنگِ بدن نما ـ‌از جهت تنگ بودن لباس و نه نازکی پارچه‌ـ صحیح می‌باشد؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٣٤/ الحذاء أو النعل الذي له قاعدة، هل المانع من الصلاة بهما هو القاعدة التي تحول دون وصل الإبهام إلى الأرض أم القاعدة التي تكون أسفل القدم ؟

پرسش ۳۴:

کفش یا نعلینی که پوششی دارد، اگر مانع از رسیدن انگشت بزرگ پا به زمین باشد یا پوششی داشته باشد که در زیر پا قرار داشته باشد، آیا مانعی برای نمازخواندن می‌باشد؟

ج/ المانع من الصلاة بهما هو القاعدة التي تمنع الإبهامين من الارتكاز على الأرض مع أنهما من أعضاء السجود الواجب أن ترتكز على الأرض.

پاسخ:

با پوششی که مانع از رسیدن انگشت بزرگ پا به زمین شود نمی‌توان نماز خواند؛ چرا که این دو انگشت از اعضای سجده که قرار گرفتن بر رویشان بر زمین واجب هستند، می‌باشند.

س٣٥/ شخص رأى في لباسه منيا فأتى بغسل الجنابة، وصلى بذلك الغسل المجزي عن الوضوء، ثم بعدها تبين أن هذا الثوب ليس له، فما حكم صلاته التي صلاها من غير وضوء؟

پرسش ۳۵:

شخصی در لباسش منی دید و غسل جنابت نمود و با آن غسل که از وضو نیز کفایت می‌کند نماز خواند و پس از آن فهمید که آن لباس برای او نبوده است. حکم نمازی که او بدون وضو خوانده است چیست؟

ج/ إذا كان قد نوى أنّ غسله فقط عن الجنابة فطهارته باطلة وصلاته أيضاً، وإن كان قد نوى غسل التوبة أو الشكر أو غيرها من الأغسال مع غسل الجنابة المشتبه فطهارته صحيحة وكذا صلاته صحيحة.

پاسخ:

اگر نیت کرده باشد که این غسل فقط برای جنابت است، طهارتش باطل و نمازش نیز باطل است، و اگر به همراه نیت جنابت مشتبه، غسل توبه، شکر یا هر غسل دیگری از غسل‌ها را نیت کرده باشد، طهارتش صحیح و نمازش نیز صحیح است.

س٣٦/ امرأة يتم تنبيهها أثناء الصلاة أن شيئا من شعرها ظاهر، فهل تصح صلاتها إذا سترته وأكملت الصلاة ؟

پرسش ۳۶:

خانمی در میان نماز متوجه می‌شود که مقداری از مویش آشکار است. اگر آن را بپوشاند و نماز را کامل کند، آیا نمازش صحیح است؟

ج/ تصح صلاتها.

پاسخ:

نمازش صحیح است.

س۳۷/ هناك بعض الألبسة التي تطبع عليها صور لبشر أو مناظر للطبيعة وما شابه، فهل هي مصداق للثوب الذي فيها تماثيل والذي يكره الصلاة فيه ؟

پرسش ۳۷:

لباس‌هایی وجود دارد که عکس انسان یا مناظر طبیعی و مشابه اینها روی آنها نقش بسته است. آیا اینها مصداق لباس‌هایی هستند که رویشان تمثالی وجود دارد و نماز در آن مکروه است؟

ج/ الثوب الذي فيه صورة إنسان أو حيوان.

پاسخ:

لباسی که در آن تصویر انسان یا حیوان باشد.

\* \* \*

**مكان المصلي:**

مکان نمازگزار:

س٣٨/ الصلاة في المكان المغصوب: إن ضاق الوقت يصلي وهو آخذ بالخروج، هل يعني هذا انه يصلي وهو ماشي وكيف سيكون أمر الاستقبال والسجود ؟

پرسش ۳۸:

نماز در مکان غصبی: اگر وقت تنگ باشد، در حالی که شروع به خارج شدن می‌نماید نماز می‌خواند. آیا این به معنی آن است که او در حال راه رفتن نماز بخواند؟ رو به قبله بودن و سجدۀ او چگونه خواهد بود؟

ج/ يصلي بالممكن فإن تمكن من الاستقبال استقبل وان تمكن من السجود سجد وإلا فلا يستقبل ولا يسجد بل يومئ للسجود.

پاسخ:

به هر صورت که امکان‌پذیر است نماز می‌خواند؛ اگر توانست رو به قبله باشد، رو به قبله، اگر توانست سجده کند، سجده می‌گزارد، وگرنه نه رو به قبله می‌ایستد و نه سجده می‌کند و فقط با اشاره سجده می‌کند.

س٣٩/ لو صلى بإذن المالك ثم أمره بالخروج في أثناء الصلاة، هل يجب عليه قطع صلاته؟

پرسش ۳۹:

اگر نماز را با اجازۀ مالک بخواند سپس در میان نماز به او دستور خارج شدن بدهد، آیا واجب است نمازش را قطع کند؟

ج/ يتمها وهو آخذ بالخروج.

پاسخ:

در حالی که شروع به خارج شدن می‌نماید، نماز را تمام می‌کند.

س٤٠/ ما حكم امرأة أكملت صلاتها ورأت رجل يصلي خلفها تماماً أو محاذياً لها ؟ وماذا تفعل إذا حدث لها مثل هذا الموقف في أثناء الصلاة ؟

پرسش ۴۰:

حکم زنی که نمازش را کامل کرده است و مردی را دیده که پشت سرش یا موازی با او نماز می‌خواند چیست؟ اگر در میان نمازش در چنین موقعیتی قرار گرفت چه باید بکند؟

ج/ إذا كان هذا الرجل قد وقف للصلاة بعد أن بدأت هي بصلاتها فلا إشكال في صلاتها.

پاسخ:

اگر این مرد پس از آنکه او شروع به نماز نمود به نماز ایستاده باشد، نماز آن زن اشکالی ندارد.

س٤١/ ما حكم الصلاة في الكعبة بحيث تقف المرأة بجنب الرجل أو أمامه ؟

پرسش ۴۱:

حکم نماز در کعبه به گونه‌ای که زن، کنار مرد یا جلوتر از او بایستد چیست؟

ج/ حكم الكعبة كغيرها من جهة عدم جواز صلاة المرأة أمام الرجل أو محاذية له.

پاسخ:

از نظر جایز نبودن نمازِ زن جلوتر از مرد یا موازی با او، حکم کعبه همانند غیر کعبه می‌باشد.

س٤٢/ هل يجوز استدبار قبور المعصومين وأبنائهم عليهم السلام في حال الصلاة وغيرها؟

پرسش ۴۲:

آیا پشت کردن به قبرهای معصومین و فرزندان ایشان در حال نماز یا غیر نماز، جایز است؟

ج/ لا يجوز استدبار قبر المعصوم.

پاسخ:

پشت کردن به قبر معصوم جایز نیست.

س٤٣/ ما أفضل مكان لصلاة المرأة، بيتها أم المسجد المجاور لبيتها أو قريب على بيتها ؟

پرسش ۴۳:

با فضیلت‌ترین مکان برای نماز خواندن زن کجا است؟ خانه‌اش؟ یا مسجد مجاور یا نزدیک به خانه‌اش؟

ج/ المرأة الأفضل لها أن تصلي في بيتها إلا أن كان هناك أمر آخر فيه فائدة لها مثل سماعها لخطبة صلاة الجمعة أو أن في حضورها نصرة للحق.

پاسخ:

بهتر است زن درخانه‌اش نماز بخواند مگر اینکه موضوع دیگری مطرح باشد که فایده‌ای برای او در بر داشته باشد؛ مثل اینکه خطبۀ نماز جمعه را بشنود یا حضور او موجب یاری حق باشد.

س٤٤/ هناك مواضع تكره الصلاة فيها، فهل الكراهة مطلقة أم تختص بصلاة الفريضة ؟

پرسش ۴۴:

جاهایی وجود دارد که نماز در آنها مکروه است. آیا این کراهت مطلق است یا مخصوص نماز واجب می‌باشد؟

ج/ يكره مطلقاً.

پاسخ:

به طور مطلق مکروه است.

\* \* \*

**ما يسجد عليه:**

آنچه بر آن سجده می‌شود.

س٤٥/ ما حكم السجود على ما يأكله الحيوان من النبات ؟

پرسش ۴۵:

حکم سجده بر گیاهی که خوراک حیوانات است، چیست؟

ج/ يجوز السجود عليه.

پاسخ:

سجده بر آن جایز است.

س٤٦/ فيما إذا كانت النجاسة لا تتعدى كما لو كان هناك بول يبس على الأرض فهل يصح السجود عليها ؟

پرسش ۴۶:

در موردی که نجاست سرایت نمی‌کند ـ‌مانند ادراری که بر روی زمین خشک شده است‌ـ آیا سجده بر آن جایز است؟

ج/ لا يجوز فلابد أن يكون الموضع الذي توضع عليه الجبهة طاهر.

پاسخ:

جایز نیست؛ مکانی که پیشانی برآن قرار داده می‌شود باید پاک باشد.

س٤٧/ هل يصح السجود على الكاشي الذي تغلف به أرضية البيوت هذه الأيام ؟

پرسش ۴۷:

حکم سجده بر کاشی و سرامیک که امروزه کف خانه‌ها با آن پوشانده می‌شود چیست؟

ج/ إذا كان فيه قطع من الأحجار ظاهرة فحكمها حكم الأرض.

پاسخ:

اگر قطعات آشکاری از سنگ درون آن باشد، حکمش همانند حکم زمین خواهد بود.

س٤٨/ هل يلحق النشاف (الكلينكس) بالقرطاس في جواز السجود عليه ؟

پرسش ۴۸:

آیا دستمال کاغذی از نظر جایز بودن سجده بر آن، همانند کاغذ است؟

ج/ يجوز السجود عليه.

پاسخ:

سجده بر آن جایز است.

س٤٩/ هل يشترط في موضع السجود أن يكون مستقراً، مثلا يضع البعض التربة على (مندر) إسنفج وما شابه فهل يصح السجود والحال هذه ؟

پرسش ۴۹:

آیا شرط است که موضع سجده، ثابت و مستقر باشد؟ به عنوان مثال برخی، تربت را بر روی اسفنج یا چیزهای شبیه آن قرار می‌دهند، آیا در این وضعیت، سجده بر آن صحیح است؟

ج/ إذا كان الإسفنج سميكاً بحيث يكون موضع السجود غير مستقر فلا يجوز، أما إذا كان إسفنج رقيق بحيث انه عند وضع الجبهة يحصل الاستقرار فلا إشكال فيه.

پاسخ:

اگر ابر (اسفنج) ضخیم باشد به گونه‌ای که موضع سجده پایدار نباشد، جایز نیست؛ اما اگر ابر نازک باشد به گونه‌ای که هنگام قرار دادن پیشانی بر آن ثابت و پایدار باشد اشکالی ندارد.

س٥٠/ هل لما يسجد عليه كالتربة أو القرطاس حجم معين، أم يكفي السجود ولو كانت التربة أو القرطاس صغيراً جداً، والسؤال عن ضابط يحكم من خلاله بالجواز من عدمه؟

پرسش ۵۰:

آیا برای آنچه بر آن سجده می‌شود ـ‌مانند تربت یا کاغذ‌ـ داشتن اندازه‌ای معین لازم است؟ یا سجده برآن کفایت می‌کند حتی اگر تربت یا کاغذ، خیلی کوچک باشد؟ سوال از این جهت مطرح شده است که با پاسخش بتوان به جواز یا عدم جواز حکم کرد.

ج/ لابد في موضع السجود أن يكفي لتستقر عليه الجبهة حتى وإن كان عبارة عن حبات مسبحة.

پاسخ:

در خصوص موضع سجده، لازم است به گونه‌ای باشد پیشانی بر آن ثابت و مستقر شود؛ اگرچه عبارت باشد از چند دانۀ سفت و محکم.

س٥١/ هل هناك فرق في السجود على وجه التربة المكتوب عليه كما يصح على الخالي من الكتابة ؟

پرسش ۵۱:

آیا بین سجده بر آن طرف از تربت که چیزی رویش نوشته شده با طرفی از آن که خالی است، تفاوتی وجود دارد؟

ج/ يجوز السجود على الوجه الذي فيه كتابة أو الخالي منها.

پاسخ:

سجده هم بر طرفی که نوشته دارد و هم بر طرف خالی جایز است.

س٥٢/ تربة الإمام الحسين هل مطلق التراب، أم خصوص قبر الإمام الحسين والحائر؟ ذلك من باب جواز الصلاة عليها وهناك من يعمل ترباً للصلاة وهو غير ملتزم بالصلاة، وقيل: أنهم يأخذونها من شواطئ الأنهار .. ما حكم ذلك ؟

پرسش ۵۲:

تربت امام حسین آیا خاک کربلا است، یا فقط خاک قبر امام است یا خاک اطراف آن؟ این سؤال از باب جایز بودن نماز روی آن است؛ چرا که در آنجا برخی کسانی هستند که مُهر تربت برای نماز می‌سازند ولی خودشان التزامی به نماز ندارند و گفته می‌‌شود که خاک آن را از رودخانه‌ها تهیه می‌کنند... حکم آن چیست؟

ج/ للسجود على تربة الإمام الحسين فضل عظيم ويجوز أخذ التربة الحسينية ما بين الضريح المقدس وفرسخين من كل الجهات من شواطئ الأنهر وغيرها من البقاع الطاهرة، وما بعد الفرسخين (١١ كم) لا يعتبر تربة حسينية، وكلما كانت التربة أقرب إلى الضريح المقدس عظم فضلها.

پاسخ:

سجده بر تربت امام حسین فضیلت بسیار دارد و جایز است که خاک آن را از ضریح امام به شعاع دو فرسخ از هر جهت از بستر نهرها یا هر جای دیگر برداشت نمود و بعد از دو فرسخ (۱۱کیلومتر) دیگر تربت حسینی محسوب نمی‌شود و هرچه این خاک به ضریح مقدس نزدیک‌تر باشد فضیلتش بیشتر است.

\* \* \*

**الأذان والإقامة:**

اذان و اقامه

س٥٣/ ما الحكم عند ضيق الوقت، فهل يسقط الأذان أم الإقامة، أم هما معاً ؟

پرسش ۵۳:

هنگام تنگ بودن وقت، حکم چیست: آیا اذان ساقط می‌شود؟ یا اقامه؟ یا هر دو با هم؟

ج/ إذا ضاق الوقت ولم يبق إلا بمقدار ما يؤدي به الركعات فقط عندها يسقط الأذان والإقامة، وإذا كان الوقت يسع الإقامة دون الأذان وجبت دونه.

پاسخ:

هنگامی که وقت تنگ شود و جز به اندازۀ به جا آوردن رکعت‌های نماز وقت نباشد، اذان و اقامه ساقط می‌شود و اگر وقت فقط به اندازۀ اقامه باشد نه اذان، اقامه واجب است و اذان واجب نیست.

س٥٤/ هل يجب الأذان والإقامة على طفل دون سن التكليف، وهي نوافل عليه ؟

پرسش ۵۴:

آیا اذان و اقامه برای کودکی که به سن تکلیف نرسیده واجب است در حالی نمازهایش مستحبی می‌باشد؟

ج/ تصحّ صلاة الصبي وإن لم يأتِ بالأذان والإقامة ولكن لا يقتدي به المتنفل إلا بأذان وإقامة.

پاسخ:

کودکی که هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد اگر برای نماز اذان و اقامه نگوید، نمازش صحیح است، اما فردی که نماز (واجبش) را با عنوان مستحبی می‌خواند، فقط می‌تواند با اذان و اقامه به او اقتدا کند.

س٥٥/ إسرار المرأة بالأذان هل يكون فيما إذا كان هناك من يسمعها من الرجال أم مطلقاً ؟

پرسش ۵۵:

آیا آرام اذان گفتن زن فقط برای جاهایی است که در آنجا مردانی حضور دارند که می‌شنوند، یه به طور مطلق می‌باشد؟

ج/ إن كان هناك رجل يسمعها أو كانت في مكان عام يحتمل دخول الرجال إليه في أي وقت.

پاسخ:

اگر مردی حضور داشته باشد که می‌شنود یا در مکانی عمومی باشد که احتمال وارد شدن مردان در هر زمانی به آنجا وجود داشته باشد.

س٥٦/ هل إسرار المرأة يكون بالأذان فقط دون الإقامة، أم بهما معاً ؟

پرسش ۵۶:

آیا آرام اذان گفتن زن فقط در خصوص اذان است نه اقامه، یا هر دو؟

ج/ تسر بهما معاً.

پاسخ:

هر دو را آرام می‌گوید.

س٥٧/ من سها عن الأذان يمضي، ماذا لو سها عن الإقامة ؟

پرسش ۵۷:

اگر کسی اذان را فراموش کند (نماز را) ادامه می‌دهد. اگر اقامه را فراموش کند چطور؟

ج/ يمضي كذلك.

پاسخ:

به همان صورت ادامه می‌دهد.

س٥٨/ ولو كانوا جماعة وسهوا وغفلوا عن الأذان، فما حكم صلاتهم ؟

پرسش ۵۸:

اگر جماعتی باشند و از روی سهو، از اذان غافل شوند و فراموشش کنند، حکم نمازشان چیست؟

ج/ يمضون في صلاتهم وتصح.

پاسخ:

نماز را ادامه می‌دهند و نماز صحیح است.

س٥٩/ يكتفى بأذان الغير في صلاة الجماعة وإن كان المؤذن منفرداً، ولكن لو أقام غير الإمام فهل يمكن للإمام أن يكتفي به ويبدأ بتكبيرة الإحرام ؟

پرسش ۵۹:

در نماز جماعت به اذان شخص دیگر کفایت می‌کند حتی اگر موذّن یک نفر باشد، ولی اگر کسی غیر از امام جماعت اقامه بگوید، آیا امام می‌تواند به آن اکتفا و با تکبیرةالاحرام نماز را آغاز کند؟

ج/ يجوز أن يقيم لصلاة الجماعة الإمام أو غيره.

پاسخ:

جایز است برای نماز جماعت، امام یا غیر امام اقامه بگوید.

س٦٠/ وهل يكتفي من يصلي منفرداً بأذان غيره المنفرد ؟

پرسش ۶۰:

آیا کسی که نماز فرادی می‌خواند می‌تواند به اذان شخص دیگر که او هم فرادی می‌خواند اکتفا کند؟

ج/ يجوز له أن يكتفي.

پاسخ:

جایز است؛ می‌تواند اکتفا کند.

س٦١/ هل هناك فرق بين أن يؤذن لنفسه أو لغيره من حيث اشتراط الطهارة في الأذان والإقامة ؟

پرسش ۶۱:

آیا بین اینکه برای خودش اذان بگوید یا برای غیر خودش، از نظر شرط بودن طهارت در اذان و اقامه، فرقی وجود دارد؟

ج/ لا فرق، والطهارة فيهما مستحبة.

پاسخ:

فرقی ندارد. داشتن طهارت در هر دو مورد صورت مستحب است.

س٦٢/ هل يصح أذان من في لسانه ثقل أو غير قادر على النطق ببعض الحروف ؟

پرسش ۶۲:

 آیا اذان کسی که در زبانش سنگینی وجود دارد یا توان تلفظ برخی حروف را ندارد صحیح است؟

ج/ يصح.

پاسخ:

صحیح است.

س٦٣/ وماذا لو خالف فيه بعض قواعد النحو ؟

پرسش ۶۳:

و اگر با برخی قواعد نحوی مخالفت نماید حکمش چگونه است؟

ج/ يصح.

پاسخ:

صحیح است.

س٦٤/ من شك في مقطع من مقاطع الأذان ماذا يفعل إن كان شكه وهو لا زال في الأذان، وماذا إن كان قد تجاوزه ؟ وكذا السؤال في الإقامة.

پرسش ۶۴:

اگر کسی در بخشی از اذان شک کند چه باید انجام دهد، درحالی‌که در هنگام شک کردن هنوز در گفتن اذان باشد؟ اگر اذان را به پایان رسانیده بود چطور؟ این سوال در مورد اقامه نیز مطرح می‌باشد.

ج/ إن كان لا يزال في الأذان يعود إلى المقطع الذي شك فيه ويقرأه ويكمل الأذان بعده، وكذا في الإقامة. أما إن كان قد أنهى الأذان أو الإقامة فلا يلتفت إلى شكه.

پاسخ:

اگر هنگامی که در حال اذان گفتن است شک کند، به مقطعی که در آن شک کرده است بازمی‌گردد، آن را می‌خواند و بعد اذان را کامل می‌کند، و به همین صورت در مورد اقامه. اما اگر اذان یا اقامه را به پایان رسانیده باشد به شکّش توجهی نمی‌کند.

س٦٥/ هل يجوز إبدال لفظ المهدي في الأذان بذكر اسم المهدي ؟

پرسش ۶۵:

آیا می‌توان در اذان به جای لفظ مهدی نام مهدی ذکر شود؟

ج/ يجوز، ولكن الأفضل ترك ذلك الآن.

پاسخ:

جایز است، ولی در حال حاضر انجام ندادن آن بهتر است.

س٦٦/ لو صليت الظهر بأذان وإقامة، وبعد الصلاة عقبت بنوافل وأدعية وذكر الله، فطالت المدة حتى صلاة العصر، هل أذان الظهر يكفي أم آتي بأذان آخر للعصر ؟

پرسش ۶۶:

اگر نماز ظهر را با اذان و اقامه خوانده و بعد از نماز، نافله‌ها را به جا آورده و به دعا و یاد خدا مشغول شوم به طوری که تا نماز عصر طول بکشد، آیا همان اذان ظهر کفایت می‌کند یا باید برای نماز عصر اذان دیگری بگویم؟

ج/ إذا لم تفارق موضع سجودك فلك أن تكتفي بالأذان الأول.

پاسخ:

اگر محل سجده را ترک نکرده باشید همان اذان اول کفایت می‌کند.

س٦٧/ مؤمن أذن وأقام ودخل في الصلاة وفي أثناء الصلاة خرج منه ما ينقض الصلاة، فهل يجب عليه الأذان والإقامة بعد الوضوء لأنه سيغير المجلس حيث يذهب إلى الوضوء ؟

پرسش ۶۷:

انسان مؤمنی اذان و اقامه گفت و وارد نماز شد. در حین نماز، چیزی که باطل کنندۀ نماز است از او سر زد. آیا پس از وضو گرفتن، اذان و اقامه بر او واجب است؟ با توجه به اینکه وضعیت نشستن او تغییر خواهد کرد زیرا وی می‌رود که وضو بگیرد.

ج/ لا يعيد الأذان والإقامة، إنما الذي يعيد الأذان والإقامة هو الذي ترك موضع سجوده معرضاً عن الصلاة إلى عمل آخر، وهذا المؤمن ترك موضع سجوده فقط للوضوء للصلاة فهو لم يعرض عن الصلاة لعمل آخر.

پاسخ:

اذان و اقامه را تکرار نمی‌کند. کسی اذان و اقامه را تکرار می‌کند که موضع سجده‌اش را ترک گفته و برای پرداختن به کار دیگری از نماز روی برگردانده است؛ حال آنکه این مؤمن فقط برای وضوی نماز، موضع سجده‌اش را ترک کرده و او برای انجام کاری دیگر، از نماز روی نگردانیده است.

\* \* \*

أفعال الصلاة

**افعال نماز**

**النية:**

**نيّت:**

س٦٨/ هل الغفلة وسروح البال أثناء الصلاة أمر ينافي استدامة حكم النية ؟

پرسش ۶۸:

آیا غفلت و تشتّت فکر در اثنای نماز، موردی است که با تداوم داشتن حکم نیّت، منافات دارد؟

ج/ تصح النية.

پاسخ:

نیّت صحیح است.

س٦٩/ شخص ينوي بقلبه فريضة ويذكر بلسانه فريضة أخرى، فهل تصح الفريضة المنوية؟

پرسش ۶۹:

شخصی در قلبش فریضه‌ای را نیّت می‌کند و با زبانش فریضۀ دیگری را بیان می‌کند، آیا فریضۀ نیّت شده صحیح است؟

ج/ إذا كنت تقصد ذكره بلسانه للفريضة الأخرى عن غفلة أو سهو فتصح صلاته التي نواها ولا قيمة لما تلفظ به غفلة أو سهواً.

پاسخ:

اگر هنگامی که قصد می‌کند از روی فراموشی یا غفلت فریضۀ دیگری را بر زبان براند، آن نمازی که نیتش را کرده بود صحیح است و آنچه از روی فراموشی یا غفلت بر زبان رانده ارزشی ندارد.

\* \* \*

**تكبيرة الإحرام:**

تكبيرة الاحرام:

س٧٠/ هل يصح تكبيرة من يقول: "الله وكبر"، أو: "اللـهَ أكبر" ؟

پرسش ۷۰:

آیا تکبیر کسی که می‌گوید «الله و کبر» یا می‌گوید «اللهَ أکبر» صحیح است؟

ج/ مع معرفة اللفظ المستعمل والقدرة عليه لا يجوز تحريفه عن عمد، ويعذر غير العربي إن تعذر عليه، أو من يجهل اللفظ المستعمل، أو من ثقل لسانه.

پاسخ:

با دانستن لفظ مورد رایج و استعمال و توانایی بر تلفظ آن، تحریف آن به عمد جایز نیست. اگر غیر عرب عذری داشته باشد، معذور است؛ یا برای کسی که لفظ مورد استعمال را نمی‌داند یا در زبانش سنگینی وجود دارد نیز به همین‌صورت می‌باشد.

س٧١/ هل ممكن وصل (الله أكبر) بما بعدها من البسملة ؟

پرسش ۷۱:

آیا می‌شود (الله اکبر) را به ما بعدِ بسمله متّصل نمود؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٧٢/ هل يشترط الاستقرار والثبات أثناء تكبيرة الإحرام، أم القيام فقط ؟

پرسش ۷۲:

آیا استقرار و ثابت ماندن در تکبیرة‌الاحرام شرط است؟ و یا فقط قیام کافی است؟

ج/ القيام فقط.

پاسخ:

قیام کافی است.

س٧٣/ إذا لم يستطع أن يكبر وهو قائم، فهل هناك ترتيب آخر من حيث الأولوية يأتي بها بعد القيام، مثلاً: جالساً فان لم يستطع فمضطجع على الجانب الأيمن، وهكذا.

پرسش ۷۳:

اگر شخصی نمی‌تواند درحالی‌که ایستاده است تکبیر بگوید، آیا ترتیب دیگری از نظر اولویت داشتن وجود داردکه پس از این ناتوان بودن از قیام، انجام دهد؟ مثلا به صورت نشسته و اگر نتوانست، خوابیده به پهلوی راست، و به همین ترتیب.

ج/ يأتي بما يمكنه.

پاسخ:

به هر صورت که در توانش هست انجام می‌دهد.

س٧٤/ ما حكم من يكبر للصلاة وهو متكئ على شيء كالعصا أو الحائط مثلاً ؟

پرسش ۷۴:

حکم کسی که در وضعیت تکیه کردن به چیزی مثل عصا یا دیوار است و برای نماز تکبیر می‌گوید، چیست؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٧٥/ هل يصح التكبير إخفاتاً بحيث لا يسمع حتى نفسه، وكذا التكبير بلا رفع يدين أصلاً ؟

پرسش ۷۵:

آیا تکبیر گفتن به صورت اخفات (با صدای پایین) صحیح است، طوری که حتی خودش هم نشنود؟ و همچنین تکبیر بدون بلند کردن دست‌ها؟

ج/ يصح اخفاتاً ولكن يسمع نفسه، ويصح بلا رفع يدين.

پاسخ:

با صدای پایین صحیح است اما باید طوری باشد که خودش بشنود، و بدون بلند کردن دست‌ها هم صحیح است.

س٧٦/ ما حكم من ترك التكبيرات الستة بعد تكبيرات الإحرام في الصلاة الواجبة والنافلة سهواً ؟

پرسش ۷۶:

حکم کسی که در نماز واجب یا نافله پس از تکبیرةالاحرام، تکبیرات شش‌گانه را از روی سهو و فراموشی ترک گوید، چیست؟

ج/ صلاته صحيحة ولا شيء عليه.

پاسخ:

نمازش صحیح است و چیزی بر عهده‌اش نیست.

س٧٧/ ما هو حكم من اخطأ في إحدى التكبيرات الستة من بعد تكبيرة الإحرام لفظاً، أو نطق بها ولم يخرج أحد حروف كلمة "الله اكبر" ؟

پرسش ۷۷:

اگر کسی در یکی از تکبیرات شش‌گانه پس از تکبیرة‌الاحرام دچار خطایی لفظی شود، یا آن را بیان کند اما یکی از حروف (الله اکبر) از دهانش خارج نشود، چه حکمی دارد؟

ج/ إذا كان يعلم أنه قرأها بشكل خاطئ يعيدها.

پاسخ:

اگر بداند آن را به صورتی اشتباهی تلفظ کرده است، باید دوباره بخواند.

س٧٨/ ما حكم من شك في تكبيرة الإحرام بعد الدخول في القراءة، أو شك في عدد التكبيرات ؟

پرسش ۷۸:

اگر کسی پس از وارد شدن به قرائت، در تکبیرة‌الاحرام یا در تعداد تکبیرها شک کند، چه حکمی دارد؟

ج/ يمضي في صلاته.

پاسخ:

نمازش را ادامه می‌دهد.

س٧٩/ هل تجب التكبيرات السبع حتى في صلاة النافلة ؟

پرسش ۷۹:

آیا در نماز نافله هم تکبیرهای هفت‌گانه واجب است؟

ج/ صلاة النافلة ليس فيها أذان ولا إقامة ويستحب فيها التكبيرات الست بعد تكبيرة الإحرام، كما يستحب فيها التكبير للركوع والسجود وللرفع منه.

پاسخ:

نماز نافله اذان و اقامه ندارد و تکبیرات شش‌گانه پس از تکبیرة‌الاحرام در آن مستحب است، همان‌طور که در آنها تکبیرهای رکوع و سجود و بلند شدن از آنها مستحب می‌باشد.

\* \* \*

**القيام:**

قيام:

س٨٠/ من عجز عن الصلاة قياماً ودار الأمر بين الجلوس على الأرض أو الكرسي، فما هو الأفضل ؟

پرسش ۸۰:

اگر کسی از نماز در حالت ایستاده عاجز باشد، و بین نشستن روی زمین و صندلی مخیّر باشد، کدام بهتر است؟

ج/ الجلوس على الكرسي أفضل.

پاسخ:

نشستن روی صندلی بهتر است.

\* \* \*

**القراءة:**

قرائت:

س٨١/ إذا اخطأ المصلي في القراءة هل يعيد الخطأ فقط، أم يجب عليه إعادة العبارة بحيث لا يختل المعنى، أم يجب إعادة الآية بأكملها ؟

پرسش ۸۱:

اگر نمازگزار در قرائت نماز اشتباه کند، آیا فقط قسمت اشتباه را باید تکرار کند؟ یا باید عبارت را به نحوی که معنا را مختل نسازد تکرار نماید؟ یا باید آیه را به طور کامل اعاده کند؟

ج/ يعيد تصحيح الخطأ وما بعده.

پاسخ:

اشتباه را تصحیح و ما بعدِ آن را اعاده می‌نماید.

س٨٢/ لا يجوز قراءة سور العزائم في الصلاة الواجبة، لو قرأها هل تبطل صلاته ؟

پرسش ۸۲:

خواندن سوره‌های عزائم (سجده‌دار) در نماز واجب جایز نیست؛ اگر کسی چنین کند آیا نمازش باطل می‌شود؟

ج/ لا تبطل.

پاسخ:

باطل نمی‌شود.

س٨٣/ ما حكم من سمع آية السجدة الواجبة وهو في الصلاة الواجبة، أو في مكان لا يستطيع السجود ؟

پرسش ۸۳:

اگر کسی در حال قرائتِ نماز واجب باشد و آیه‌ای که سجدۀ واجب دارد را بشنود، چه حکمی دارد؟ یا در مکانی باشد که نتواند سجده کند؟

ج/ يسجد بعد الفراغ من الصلاة وبعد تمكنه من السجود.

پاسخ:

پس از فراغت از نماز سجده را به جا می‌آورد؛ و پس از اینکه امکان سجده کردن را پیدا کرد سجده می‌کند.

س٨٤/ هل يجوز العدول اختياراً من سورة إلى أخرى وقد بدأ بها، وما حكم من قرأ قسماً من سورة ثم لم يتذكر بقيتها فعدل إلى أخرى ؟

پرسش ۸۴:

آیا به اختیار گذر کردن از سوره‌ای که خواندنش را شروع کرده است به سوره‌ای دیگر جایز است؟ حکم کسی که بخشی از سوره را بخواند و بقیه‌اش را به خاطر نمی‌آورد و سراغ سوره‌ای دیگر می‌رود چیست؟

ج/ يجوز العدول إلى سورة أخرى وإن قرأ بعضها.

پاسخ:

رفتن به سراغ سوره‌ای دیگر جایز است، حتی اگر بخشی از سوره را خواند باشد.

س٨٥/ هل يجب المد في الصلاة ؟ وما هو حكم أحكام التجويد كالغنة والإخفاء والإظهار وغيرها، ومخارج الحروف حسب ما قاله علماء التجويد ؟

پرسش ۸۵:

آیا در قرائتِ نماز مَد (کشیدن) واجب است؟ و همچنین حکم احکام تجوید مانند غنه (بیرون آوردن صدا از بینی)، اخفا، اظهار و سایر قواعد، یا مخارج حروف ـ‌آن‌گونه که علمای تجوید گفته‌اند‌ـ چیست؟

ج/ لا يجب شيء من هذا فقط الواجب هو الالتزام بالقراءة بصورة توصل المعنى الصحيح للمستمع.

پاسخ:

هیچ کدام از اینها واجب نیست؛ واجب، فقط ملزم بودن به قرائت به گونه‌ای است که معنای صحیح را به شنونده برساند.

س٨٦/ ما حكم المرأة إذا جهرت في صلاتها، إن سمعها أجنبي أو لم يسمعها ؟

پرسش ۸۶:

حکم زنی که در نمازش صدایش را آشکار کند (بلند بخواند) چیست؟ در صورتی که مرد بیگانه صدایش را بشنود و یا نشنود؟

ج/ تصح صلاتها.

پاسخ:

نمازش صحیح است.

س٨٧/ قراءة النون ميما في القران كما في " أنباء" تقرأ " أمباء" هل يصح هذا في الصلاة؟

پرسش ۸۷:

در جاهایی از قرآن (نون)، (میم) خوانده می‌شود؛ مانند (انباء) که (امباء) خوانده می‌شود. آیا این کار در نماز صحیح است؟

ج/ لا يصح قراءتها ميماً. نعم إن خرج لفظها قريباً من الميم في القراءة لا إشكال في ذلك.

پاسخ:

قرائت کردن آن به صورت (میم) صحیح نیست؛ آری، اگر در قرائت، لفظ آن نزدیک به (میم) از دهان خارج شود اشکالی ندارد.

س٨٨/ إذا كان غالباً ما يقرأ سورة التوحيد بعد الحمد، واتفق أن قرأها بدون تعيين البسملة لها سهوا أو غفلة، وانتبه في أثنائها، فهل تلزم إعادتها أم لا ؟

پرسش ۸۸:

اگر این‌گونه باشد که اغلب پس از سورۀ حمد سورۀ توحید خوانده می‌شود، و چنین پیش آید که از روی فراموشی و غفلت، سوره را بدون تعیین کردن بسمله برای آن بخواند و در اثنای قرائت سوره متوجه گردد، آیا باید سوره را تکرار نماید یا خیر؟

ج/ لابد من تعيين البسملة للسورة فهو إن بدأ بقراءة البسملة لابد أن يكون على علم ومعرفة بالسورة التي يريد قراءتها.

پاسخ:

باید بسمله برای سوره، معین باشد. بنابراین اگر شروع به قرائت بسمله نماید، باید به سوره‌ای که می‌خواهد بخواند، علم و آگاهی داشته باشد.

 س٨٩/ قد يدعو الإنسان أثناء القراءة أو في مواضع أخرى في الصلاة غير القنوت فما حكم ذلك ؟

پرسش ۸۹:

گاهی انسان در حین قرائت یا جاهای دیگر نماز ـ‌به غیر از قنوت‌ـ دعا می‌خواند؛ حکم آن چیست؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٩٠/ يجوز أن يقرن بين سورتين بعد الحمد، الأكثر كيف ؟ وكذا هل يجوز أن يقرأ آيات من سورة طويلة بدل السورة القصيرة ؟

پرسش ۹۰:

آیا جایز است پس از حمد، دو سوره خوانده شود؟ بیشتر چطور؟ و همچنین آیا جایز است آیاتی از یک سورۀ بلند به جای یک سورۀ کوتاهِ کامل خوانده شود؟

ج/ لا يجوز أكثر من سورتين، ولا يجوز أن يقرأ آيات عوضاً عن السورة.

پاسخ:

بیش از دو سوره جایز نیست. همچنین جایز نیست به جای سوره، آیاتی از یک سوره خوانده شود.

س٩١/ في الركعة الثالثة والرابعة إن أضاف بعد الحمد شيئاً من سورة من حيث لا يعلم، ثم التفت فهل يجب عليه إكمال السورة أو يقطع ويركع ؟

پرسش ۹۱:

اگر کسی در رکعت سوم و چهارم از روی ناآگاهی و غفلت قسمتی از سوره را بخواند، بعد متوجه اشتباه خود شود، آیا تکمیل کردن سوره بر او واجب است؟ و یا سوره را قطع کرده، به رکوع برود؟

ج/ لا يجب عليه إكمال السورة بل يمكنه أن يقطعها ويركع، ولكن إن كانت سورة التوحيد فالأفضل أن يتمها ويركع.

پاسخ:

کامل کردن سوره بر او واجب نیست، و می‌تواند سوره را قطع کرده، رکوع کند، اما اگر سورۀ توحید را می‌خواند، بهتر آن است سوره را تمام کند و بعد به رکوع برود.

س٩٢/ هل يجب أن تنوي البسملة للسورة بعد الفاتحة، أم يجوز النطق بالبسملة مع عدم اليقين بتحديد السورة ومن ثم اختيار السورة التي يريد قراءتها ؟

پرسش ۹۲:

آیا نیت کردن برای سوره پس از فاتحه، واجب است؟ یا می‌شود با عدم یقین برای تعیین سوره، بسمله را به زبان آورد و بعد سوره‌ای که می‌خواهد بخواند را انتخاب کند؟

ج/ البسملة مرتبطة بالسورة ولكل سورة بسملتها فيجب أن يحدد السورة ثم يقرأ بسملتها.

پاسخ:

بسمله با سوره مرتبط است و هر سوره‌ای بسمله خاصّ خود را دارد؛ بنابراین باید سوره را معین کند، سپس بسمله آن را بخواند.

\* \* \*

**الركوع:**

ركوع:

س٩٣/ يجب التكبير للركوع، هل يصح إخفاتاً ؟ وهل يصح التكبير في حال هويه للركوع أو أثناء الركوع قبل الذكر، وماذا لو نسى وتذكر أثناء الركوع، وكذا نفس السؤال يأتي للتكبير للسجود ؟

پرسش ۹۳:

تکبیر برای رکوع واجب است. آیا ادا کردن آن به حالت اخفات (با صدای آهسته) صحیح است؟ و آیا تکبیر گفتن در حال خم شدن برای رکوع و یا هنگامی که وارد رکوع شده اما هنوز ذکرش را نگفته، صحیح است؟ و اگر فراموش کند و در میان رکوع به یاد آورد چطور؟ همین پرسش برای تکبیر سجده نیز مطرح می‌باشد.

ج/ يصح اخفاتاً وأثناء الهوي للركوع، أو أثناء الركوع قبل الذكر. ولو نسي وتذكر وهو في الركوع كبر ولاشيء عليه، وكذا الحكم في السجود.

پاسخ:

با صدای آهسته ادا کردن، صحیح است، و در حالت خم شدن برای رکوع یا داخل رکوع پیش از گفتن ذکر نیز صحیح است. اگر فراموش کند و وقتی به یاد آورد که در حال رکوع می‌باشد، تکبیر بگوید و چیزی بر عهده‌اش نیست. حکم سجده نیز به همین صورت است.

س٩٤/ أحياناً يركع المكلف على عجل ويفقد الاستقرار فيقف وهو بعده لم يكمل ذكر الركوع، فهل يركع مرة أخرى، أو أنّ ركوعه صحيح ؟

پرسش ۹۴:

گاهی مکلّف با عجله رکوع می‌کند و استقرار و ثبات ندارد؛ بنابراین در حالی که ذکر رکوع را کامل نکرده است می‌ایستد. آیا باید بار دیگر به رکوع برود؟ یا رکوعش صحیح است؟

ج/ هذا الفعل غير جائز، ولكن إن فعله عن غفلة فركوعه صحيح ولا يعيده ولا يعيد صلاته.

پاسخ:

این کار جایز نیست؛ اما اگر از روی غفلت مرتکب شود، رکوعش صحیح است و آن را تکرار نمی‌کند و نمازش را نیز تکرار نمی‌کند.

س٩٥/ هل يجوز في ذكر السجود (سبحان ربي الأعظم) بدل (الأعلى) ؟

پرسش ۹۵:

آیا جایز است در ذکر سجود «سبحان ربی الاعظم» به جای «اعلی» گفته شود؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

س٩٦/ ما المقصود بالتسبيحة الصغرى في ذكر الركوع ؟

پرسش ۹۶:

منظور از (تسبیح صغری) در ذکر رکوع چیست؟

ج/ سبحان الله.

پاسخ:

سبحان الله.

س٩٧/ ذكر الإيماء في بحث الصلاة كثيراً، فهل المقصود به معناه اللغوي (أي الإشارة بالأعضاء كالرأس واليد والعين والحاجب)، أم له كيفية خاصة عند الاضطرار إليه في الصلاة، كصلاة العريان، أو المتوحل، أو المضطجع والمستلقي، أو من عجز عن الانحناء للركوع والسجود وغيرها ؟

پرسش ۹۷:

در بحث نماز، از عبارت ایما یا اشاره، بسیار گفته شده است. آیا منظور از آن، معنای لُغویِ آن است (مانند اشاره با اعضا همانند سر، دست، چشم و ابرو) و یا کیفیت و چگونگی خاصی هنگام اضطرار و نیاز به آن در نماز وجود دارد، مانند نماز عریان، نماز متوحّل (در گل فرو رفته)، مضطجع (دراز کشیده)، مستلقی (به پشت خوابیده)، و یا کسی که ناتوان از خم شدن برای رکوع و سجود و سایر موارد می‌باشد؟

ج/ المعنى اللغوي.

پاسخ:

معنای لغوی مورد نظر می‌باشد.

\* \* \*

**السجود:**

سجده:

س٩٨/ لو لفّ المصلي رجليه بشيء كالغطاء (البطانية) فهل يضر ذلك بوضع الإبهام على الأرض المشترط في الصلاة ؟

پرسش ۹۸:

اگر نمازگزار پاهایش را با چیزی مثل لحاف بپوشاند، آیا این کار آسیبی به قرار دادن انگشت ابهام (شصت) بر روی زمین ـ‌که در نماز شرط است‌ـ وارد می‌کند؟

ج/ لا يضر.

پاسخ:

ضرری وارد نمی‌کند.

س٩٩/ هل مشروط التوازي الأفقي بين مواضع السجود، فمثلاً: لو كان واقفاً على فراش (مندر) يزيد ارتفاعه على اللبنة وموضع الجبهة أخفض من ذلك فهل تصح الصلاة ؟

پرسش ۹۹:

آیا هم‌سطح بودن مواضع سجده شرط است؟ مثلاً اگر شخص بر سطحی ایستاده باشد که ارتفاع آن از یک آجر بیشتر باشد و موضع پیشانی پایین‌تر از آن باشد، آیا نمازش در این حالت صحیح است؟

ج/ لا يشترط التوازي الأفقي ويجوز اختياراً أن يكون موضع الجبهة اخفض أو أعلى يسيراً بمقدار لبنة من بقية مواضع السجود، ومع الاضطرار يجوز الانخفاض والارتفاع الكثير.

پاسخ:

هم‌سطح بودن شرط نیست و مکان پیشانی می‌تواند مقدار کمی پایین‌تر یا بالاتر ـ‌به اندازۀ یک آجر‌ـ از بقیه مواضع سجده باشد، و در حالت اضطرار، اختلاف ارتفاعِ زیاد ـ‌چه بالاتر و چه پایین‌تر‌ـ جایز می‌باشد.

س١٠٠/ ورد في واجبات السجود مساواة موضع جبهته لموقفه إلا أن يكون الارتفاع يسيراً بمقدار (لبنة)، فإذا ما أريد تحديد الارتفاع بالأصابع المضمومة فكم ستكون ؟

پرسش ۱۰۰:

در واجبات سجده، مساوی بودن موضع پیشانی و محل ایستادن وارد شده است، مگر با مقداری اختلاف ارتفاع (به مقدار یک آجر). حال اگر بخواهم ارتفاع را با انگشت‌های به هم پیوسته محاسبه نماییم چه اندازه خواهد بود؟

ج/ خمسة عشر سنتمتراً.

پاسخ:

پانزده سانتی‌متر.

س١٠١/ ما معنى الاقعاء المكروه بين السجدتين ؟

پرسش ۱۰۱:

معنای (اقعا) (نشستن بر روی باسن) مکروه بین دو سجده چیست؟

ج/ الاقعاء هو: أن يجلس على الاليتين ويلصقهما بالأرض، ويجمع رجليه أمامه مثنيتان أي أن تكون ركبتيه مقابل وجهه وساقيه وفخذيه منتصبان، كما يفعل الكلب بعض الأحيان عندما يجلس ويرفع يديه للأعلى.

پاسخ:

(اقعا) آن است که شخص بر روی دو باسن بنشیند و آنها را به زمین بچسباند و پاهایش را جلویش به حالت جفت، جمع کند؛ یا به عبارت دیگر زانوهایش مقابل صورتش قرار گیرد و ساق‌ها و ران‌هایش به صورت قائم باشند؛ همان‌گونه که گاهی اوقات سگ چنین می‌کند؛ هنگامی که می‌نشیند و دستانش را بالا می‌برد.

**التسليم:**

سلام:

س١٠٢/ هل يضر بالتسليم قول المصلي: السلام عليك أيها النبي .. السلام علينا وعلى عباد الله .. لو ذكره وهو ملتفت مرة وغير ملتفت أخرى ؟

پرسش ۱۰۲:

اگر نمازگزار در سلام نماز بگوید: (السلام علیک ایها النبی ... السلام علینا و علی عباد الله...) آیا اشکال و ضرری در سلام ایجاد می‌کند؟ اگر این ذکر را به عمد و یا غیر عمد بر زبان راند چطور؟

ج/ لا يضر ويمكنه أن يدعو بأي دعاء يشاء، والأفضل أن يدعو قبل التسليم.

پاسخ:

اشکالی ایجاد نمی‌کند، و می‌تواند هر دعایی که می‌خواهد بخواند، و بهتر آن است که پیش از سلام دادن، دعا کند.

\* \* \*

**قواطع الصلاة:**

قطع کردن نماز:

س١٠٣/ أحياناً يقطع المصلي صلاته ويعيدها لحصول شيء منه أثناء الصلاة ولا يعرف حكمه، فهل بوسعه فعل ذلك ؟

پرسش ۱۰۳:

گاهی اوقات پیش می‌آید که نمازگزار برای جبران قسمتی از نماز در حِین نماز، نمازش را قطع و آن را تکرار می‌کند، در حالی که حکم آن را نمی‌داند. آیا اجازه انجام چنین عملی را دارد؟

ج/ لا يجوز أن يقطع صلاته بالشك.

پاسخ:

جایز نیست نمازش را به خاطر شک قطع کند.

\* \* \*

**صلاة الجمعة:**

نماز جمعه:

س١٠٤/ يمتدّ وقت الجمعة بامتداد وقت الظهر، هل يعني أنّ وقتها يمتد إلى ما قبل الغروب بمقدار أداء صلاة العصر ؟

پرسش ۱۰۴:

وقت نماز جمعه به اندازۀ وقت نماز ظهر می‌باشد. آیا این به آن معنا است که وقت نماز جمعه تا پیش از غروب تا به اندازۀ زمان به جا آوردن نماز عصر، ادامه دارد؟

ج/ يمتد وقتها كما ذكرت.

پاسخ:

وقت آن همان‌طور است که شما گفتی.

س١٠٥/ كم هي مدة صلاة الجمعة من بدء الأذان حتى نهاية ركعتي الجمعة ؟

پرسش ۱۰۵:

مدت نماز جمعه از شروع اذان تا انتهای دو رکعت نماز جمعه چقدر است؟

ج/ لا يشترط مدة، ولكن يعتبر أن تكون كافية للخطبتين والركعتين، كما يستحب للإمام التخفيف في تمام فيتجنب الإطناب الممل والاختصار المخل.

پاسخ:

مدت زمان معینی برای آن شرط نشده است؛ اما زمان باید برای خواندن دو خطبه و دو رکعت کافی باشد. مستحب است امام کوتاه کند و از طولانی کردن کسالت‌آور و همچنین مختصر کردنی که اختلال ایجاد کند، بپرهیزد.

س١٠٦/ أحياناً لا يتوفر العدد المطلوب بعد الزوال أي في أول الوقت، ويتوفر بعد ساعتين من الزوال وكانوا قد صلوا الظهر أول الوقت، فهل يجب عليهم إعادة الصلاة جمعة إن اجتمع العدد ؟ وماذا إذا لم يكن قد صلوا الظهر ؟

پرسش ۱۰۶:

گاهی تعداد افراد کافی بعد از زوال ـ‌یعنی اول وقت‌ـ جمع نمی‌شوند، و پس از سپری شدن دو ساعت از زوال جمع می‌شوند و این در حالی است که نماز ظهر را در اول وقت خوانده‌اند.آیا تکرار نماز جمعه در صورت جمع شدن افراد کافی واجب می‌باشد؟ اگر نماز ظهر را نخوانده باشند چطور؟

ج/ يستحب إقامة صلاة الجمعة مع عدم وجود إمام معين للصلاة، ويجب إقامة صلاة الجمعة مع وجود إمام معين للصلاة عينه الإمام المعصوم، أو من عينه الإمام لتعيين أئمة الجمعة. فيجب على هذا الإمام إقامة صلاة الجمعة عند توفر العدد وبقية الشروط عند وقت الزوال، فإن لم يتوفر العدد عند الزوال وصلى الظهر لم يجب عليه بعدها إقامة الجمعة. أما إن أخر صلاته بعد الزوال حتى اكتمل العدد فيجب عليه عندها إقامة الجمعة مادام الوقت باقياً، ومع العلم بوجود إمام معين للصلاة فيجب الحضور عنده أو في المكان الذي يعينه لإقامة صلاة الجمعة، ومع العلم بإقامتها يجب الحضور.

پاسخ:

در صورتی که امامی معیّن وجود نداشته باشد اقامۀ نماز جمعه مستحب است، و با وجود امامی که امام معصوم او را منصوب نموده باشد و یا با وجود کسی که امام برای تعیین ائمۀ جمعه معین کرده باشد، اقامۀ نماز جمعه واجب است. بر این امام اقامۀ نماز در هنگام زوال و در صورتی که افراد کافی حضور داشته باشند و بقیۀ شروط هم محقق شده باشد واجب می‌باشد. اگر هنگام زوال تعداد افراد کافی نبود و او نماز ظهر را خواند، دیگر خواندن نماز جمعه بر او واجب نیست. اما اگر پس از زوال نمازش را به تأخیر انداخت تا اینکه تعداد نفرات کافی جمع شدند، اقامۀ نماز جمعه مادامی که وقت باقی است، بر او واجب می‌باشد؛ و با علم به اینکه امام تعیین شده برای نماز وجود دارد، واجب است نزد او و یا جایی که او برای اقامۀ نماز تعیین کرده است حاضر شوند، و با دانستن اقامۀ نماز، حضور در آنجا واجب می‌باشد.

س١٠٧/ عند عدم توفر العدد، هل الأفضل الانتظار فترة رجاء اكتمال العدد والصلاة جمعة حينذاك، أو أداء الصلاة ظهراً في أول الوقت ؟

پرسش ۱۰۷:

در صورتی که تعداد کافی برای اقامۀ نماز حاضر نباشند، آیا مدتی منتظر ماندن به امید تکمیل شدن تعداد و اقامۀ نماز جمعه بهتر است یا اقامۀ نماز ظهر در اول وقت؟

ج/ الأفضل الانتظار إن كان يرجو اكتمال العدد.

پاسخ:

اگر امید کامل شدن نفرات وجود دارد، منتظر ماندن بهتر است.

س١٠٨/ هل يكمل الصبي المميز العدد الذي تنعقد به الجمعة ؟

پرسش ۱۰۸:

آیا پسر بچۀ ممیّز می‌تواند تعداد نمازگزاران برای اقامۀ نماز جمعه را تکمیل کند؟

ج/ لا يكمل العدد بالصبي المميز.

پاسخ:

تعداد با پسر بچۀ ممیّز تکمیل نمی‌گردد.

س١٠٩/ هل المرأة والعبد إن حضرا صلاة الجمعة تجب عليهم الصلاة ويحسبون من العدد الذي تنعقد به الجمعة ؟

پرسش ۱۰۹:

آیا زن یا بنده اگر در محل نماز جمعه حضور پیدا کند، نماز بر او واجب می‌شود و جزو تعدادی که لازم است تا نماز جمعه منعقد گردد به حساب می‌آیند؟

ج/ إذا تكلفوا الحضور وجبت عليهم الجمعة ويحسبون من العدد وتنعقد بهم الجمعة.

پاسخ:

اگر متحمل زحمت حضور شدند، نماز جمعه بر آنها واجب می‌شود و جزو تعداد محسوب می‌گردند و نماز جمعه با آنها منعقد می‌گردد.

س١١٠/ الأعرج الذي بإمكانه حضور الجمعة هل يجب عليه الحضور ؟

پرسش ۱۱۰:

کسی که پایش لنگ است، اگر حضور در نماز جمعه برایش امکان‌پذیر باشد آیا حضور برایش واجب می‌شود؟

ج/ لا يجب عليه الحضور.

پاسخ:

حضور بر او واجب نمی‌باشد.

س١١١/ إذا لم يكن الإمام موجوداً ولا من نصبه للصلاة تستحب صلاة الجمعة، هل يقصد بعد وجود الإمام ومن نصبه عدم حضورهما الصلاة مع وجودهما في مكان آخر، أو مقصود شيء آخر، وماذا إذا عقدت الجمعة بعدم حضورهما ولكن بتوجيه وإرشاد من الإمام ؟

پرسش ۱۱۱:

(اگر امام معصوم یا آن شخصی که از طرف او منصوب شده است موجود نباشند، نماز جمعه مستحب است) آیا منظور از عدم وجود امام و یا کسی که امام او را منصوب نموده، عدم حضور این دو برای نماز است درحالی‌که در مکان دیگری حاضر می‌باشند، و یا منظور چیز دیگری است؟ و اگر نماز جمعه بدون حضور این دو منعقد گردد اما با راهنمایی و توصیۀ امام باشد چه حکمی دارد؟

ج/ المقصود عدم حضورهما أو حتى عدم حضور الإمام مع عدم تعيينه إمام لإقامة صلاة الجمعة.

پاسخ:

منظور، عدم حضور آن دو، یا منظور تا هنگام عدم حضور امام است بدون اینکه امامی را برای نماز تعیین کرده باشد.

س١١٢/ ورد في صلاة الجمعة: (فلو مات الإمام في أثناء الصلاة لم تبطل الجمعة، وجاز أن تقدم الجماعة من يتم بهم الصلاة)، والسؤال: هل المتقدم يكمل بهم الصلاة أو يستأنف الصلاة بهم من جديد، وكيف يقدموه وهم في الصلاة أو أن من يقدموه يصلي في الصفوف الاُخر مثلاً ؟

پرسش ۱۱۲:

در نماز جمعه وارد شده است: (اگر در وسط نماز جمعه، امام (جمعه) فوت کند (بمیرد)، نماز باطل نمی­شود، بلکه جایز است، جماعت کسی را جلو بیندازند تا نماز جمعه را برای آنها تمام کند). سوال این است: کسی که پیش فرستاده می‌شود آیا باید نماز را با آنها تکمیل کند و یا نمازی جدید را با آنها آغاز نماید؟ و چگونه او را مقدم بدارند در حالی که در نماز می‌باشند و مثلاً اگر کسی که می‌خواهند مقدم بدارند در صفوف آخر باشد چطور؟

ج/ المتقدم يكمل الصلاة ولا يجب أن يقدمه الجميع بل يكفي أن يقدمه بعضهم بأن يشير له بالتقدم بصورة ما.

پاسخ:

کسی که جلو فرستاده می‌شود، نماز را کامل می‌کند و نیازی نیست کسی که جلو فرستاده می­شود توسط همۀ جماعت انتخاب شود، بلکه اگر تعدادی به او اشاره کنند که جلو رود کافی است.

س١١٣/ كيف يصلي الصم البكم صلاة الجمعة المباركة وهم لا يفهمون ولا يسمعون الخطبة ؟ وهل يحتاجون إلى من يعرفهم بالخطبة بالإشارات المفهمة، أم يكفي الحضور فقط ويسقط التكليف الشرعي ؟

پرسش ۱۱۳:

کر و لال‌ها چگونه نماز جمعه را به جا آورند در حالی که خطبه‌ها را نمی‌شنوند و نمی‌فهمند؟ آیا باید کسی با زبان اشاره خطبه‌ها را به آنها بفهماند؟ یـا صِرف حضور آنها کفایت و تکلیف شرعی را ساقط می‌نماید؟

ج/ وجود من يترجم الخطبة لهم بالإشارات أفضل ولكنه ليس بواجب.

پاسخ:

بهتر است کسی خطبه‌ها را با زبان اشاره به آنها بفهماند ولی واجب نیست.

س١١٤/ هل يشترط أن تكون الخطبتان باللغة العربية، وما حكم العربي يأتم بغير العربي في الجمعة ؟

پرسش ۱۱۴:

آیا شرط است که خطبه‌ها به زبان عربی باشد؟ و اگر عربی به غیر عرب در نماز جمعه اقتدا کند، چه حکمی دارد؟

ج/ يجوز أن تكون الخطبة بلغة أكثر الحاضرين للصلاة، ولكن يجب أن يحمد الله ويصلي على النبي وآله ويقرأ شيئاً من القرآن بالعربية، والأفضل أن تكون الخطبة بالعربية وتترجم لغير العرب حتى وإن كانوا أغلب من يحضر الصلاة. ويجوز أن يأتم من يجيد العربية بمن لا يجيدها، ولكن الأفضل أن يكون الخطيب يجيد العربية ويخطب بالعربية ولا علاقة للقومية بهذا الأمر، فيمكن أن يكون الإمام من أي قومية وهو يجيد العربية**.**

پاسخ:

جایز است که خطبه به زبان بیشتر افراد حاضر برای نماز خوانده شود؛ اما واجب است که حمد خدا، صلوات بر پیامبر و قسمتی از قرآن به زبان عربی خوانده شود و بهتر آن است که خطبه به زبان عربی باشد و برای غیر عرب ترجمه شود، حتی اگر بیشتر افراد حاضر، غیر عرب باشند. کسی که عربی را نیکو ادا می‌کند جایز است به کسی که نیکو ادا نمی‌کند اقتدا کند، اما بهتر آن است که خطیب، عربی را به خوبی بداند و به عربی خطبه بخواند و قومیّت در این موضوع هیچ نقشی ندارد؛ بنابراین امام می‌تواند از هر قومیتی باشد و عربی را نیز به خوبی بداند.

س١١٥/ هل يجوز لإمام الجمعة أن يمسك بيده سلاحاً حين أداء الخطبة ؟

پرسش ۱۱۵:

آیا جایز است امام در حین ادای خطبه سلاحی به دست گیرد؟

ج/ يكره له الاتكاء على السلاح إلا مع الخوف وتوقع الحاجة إليه، ويستحب الاتكاء على عصا أو عمود أو منصة من الخشب.

پاسخ:

مکروه است که بر سلاح تکیه کند مگر به واسطۀ ترسی و به وجود آمدن نیازی برای انجام این کار، و تکیه کردن بر عصا، ستون یا تریبون چوبی مستحب می‌باشد.

س١١٦/ إذا كان إمام الجمعة مسافراً، فهل تصح جمعته وجمعة من يأتم به من المتمين والمقصرين ؟

پرسش ۱۱۶:

اگر امام جمعه، خود، مسافر باشد، آیا نماز جمعۀ او صحیح است؟ و نیز کسانی که به او اقتدا کنند؟ چه کسانی که نمازشان کامل است و چه کسانی که نمازشان شکسته باشد.

ج/ تصح.

پاسخ:

صحیح است.

س١١٧/ ما هو حكم الإمام في صلاة الجمعة بعد إن قنت القنوت الثاني بعد الركوع ركع مرة أخرى بدل إن يهوي إلى السجود ؟ وإذا كانت صلاته باطلة فما حكم صلاة المأمومين في هذه الحالة ؟

پرسش ۱۱۷:

اگر امام در نماز جمعه بعد از قنوت دوم، بعد از رکوع، به جای اینکه برای سجده پایین بیاید، بار دیگر به رکوع رود، حکمش چیست؟ و اگر نماز او باطل باشد، حکم نماز مأمومین در این حالت چیست؟

ج/ إن تنبّه قبل أن يرفع رأسه من الركوع كبّر للسجود وأتم هويه إلى الأرض وسجد وصحت صلاته، أما إن لم يتذكر حتى رفع رأسه من الركوع فبطلت صلاته وصلاة من يأتم به.

پاسخ:

اگر پیش از اینکه سر از رکوع بردارد به یاد آورد و برای سجده تکبیر بگوید و پایین رفتن خود به سمت زمین را ادامه دهد و سجده کند نمازش صحیح است، اما اگر به یاد نیاورد تا اینکه سر از رکوع بردارد، نماز او و کسانی که به او اقتدا کرده‌اند باطل می‌باشد.

س١١٨/ هل ممكن تحديد انبساط الشمس وارتفاعها الذي تصلى به نافلة الجمعة ولو بحسب الساعات بعد شروق الشمس ؟

پرسش ۱۱۸:

آیا می‌شود انبساط (گستردن) خورشید و بالا آمدن آن را پس از طلوع خورشید، آن‌گونه که در آن نافلۀ جمعه خوانده می‌شود بیان نمایید؛ و حتی اگر امکان‌پذیر باشد بر حسب ساعت.

ج/ تقسم الوقت بين شروق الشمس وزوالها إلى ثلاثة أقسام فيكون الثلث الأول بعد الشروق هو انبساط الشمس والثلث الثاني هو ارتفاعها والثالث هو قبل الزوال.

پاسخ:

زمان بین طلوع خورشید و زوال آن (میان روز) به سه قسمت تقسیم می‌شود: ثلث اول پس از طلوع، انبساط (گستردن) است، ثلث دوم بالا آمدن، و ثلث سوم پیش از زوال می‌باشد.

\* \* \*

**صلاة الآيات:**

**نماز آيات:**

س١١٩/ تحصل بعض الظواهر كالفيضانات والصواعق، وهذه قد تكون مخيفة لبعض الناس دون بعض آخر، فهل يجب بحصولها صلاة الآيات ؟

پرسش ۱۱۹:

برخی اتفاقات مثل طوفان‌ها و رعد و برق‌ها اتفاق می‌افتد و برای بعضی مردم باعث ترس می‌شود برای برخی دیگر نمی‌شود. آیا در این وضعیت نماز آیات واجب می‌شود؟

ج/ أن تكون عند أكثر المؤمنين مخيفة باعتبارها آية عذاب أو تحذير لأهل الأرض، فالأمر ليس لكونها مخيفة فقط بل لكونها مخيفة مرتبطة بالسماء (أي سكان السماء من عمال الله سبحانه وتعالى).

پاسخ:

وقتی نماز آیات واجب می‌شود که این اتفاقات برای بیشتر مؤمنان ـ‌به اعتبار اینکه این اتفاق نشانۀ عذاب و یا هشداری برای اهل زمین برشمرده می‌شوند‌ـ باعث ترس و وحشت گردد. پس موضوع فقط بر ترسناک بودن نیست؛ بلکه به خاطر ارتباط داشتن این اتفاقات ترسناک با آسمان می‌باشد (یعنی ساکنان آسمان که کارگزاران خداوند سبحانه و متعال می‌باشند).

س١٢٠/ إذا علم أن الكسوف سيحصل غداً وذلك عن طريق الجهات العلمية، وعندما جاء الغد نسي وغفل حتى انجلى الكسوف وكان جزئياً ثم بعد ذلك تذكر، فهل علمه المسبق بالكسوف قبل حصوله يوجب عليه القضاء ؟

پرسش ۱۲۰:

اگر شخصی با روش‌های علمی بداند که فردا کسوف می‌شود و وقتی فردا آمد، فراموش کرد و غافل شود تا اینکه کسوف از بین برود و کسوف نیز جزئی بوده باشد و بعد از آن موضوع را به یاد آورد، آیا دانستن پیشین او به رخ دادنِ کسوف پیش از اینکه اتفاق بیفتد قضای نماز را بر او واجب می‌کند؟

ج/ يجب عليه القضاء.

پاسخ:

قضا بر او واجب است.

س١٢١/ في صلاة الآيات ورد أنه يقرأ بعد الحمد سورة فإن لم يتمها يقرأ من حيث قطع، فهل واجب عليه أن يختار السور ذات الخمس آيات فقط، وكيف يوزع الآيات خمس مرات إذا كان السور اقل من خمس آيات أو أكثر ؟

پرسش ۱۲۱:

در نماز آیات وارد شده است که بعد از حمد باید سوره خوانده شود، و اگر سوره را تمام نکرد باید آن را از آنجایی که قطع کرده است بخواند. حال آیا واجب است فقط از سوره‌هایی که دارای پنج آیه است انتخاب کند؟ اگر آیات سوره بیشتر یا کمتر از پنج آیه بود چگونه باید آن را به پنج قسمت تقسیم کند؟

ج/ لا يجب عليه أن يختار سورة فيها خمس آيات، ولا يجب عليه أن يقسم السورة على الركوعات، وله أن يقرأ سورة في كل ركوع، ويمكنه أن يقسم السورة على ركوعين أو ثلاثة أو خمس.

پاسخ:

واجب نیست که حتماً از سوره‌هایی که دارای پنج آیه هستند انتخاب کند، و واجب نیست سوره را به تعداد رکوع‌ها تقسیم کند؛ می‌تواند در هر رکوع یک سوره بخواند، و می‌تواند سوره را بر دو رکوع، سه یا پنج رکوع تقسیم کند.

س١٢٢/ لو قرأ المكلف في صلاة الآيات الحمد وآية أو آيات من سورة وركع، ثم أكمل قراءة السورة وركع، فهل يقرأ بعد رفع رأسه الحمد وسورة أو يمكنه أن يقرأ سورة أو آيات من سورة ويركع ؟

پرسش ۱۲۲:

اگر مکلّف در نماز آیات حمد و آیه یا آیاتی از یک سوره را قرائت و بعد رکوع کند، سپس سوره را تکمیل و رکوع کند، آیا بعد از بلند کردن سر از رکوع باید حمد و سوره بخواند یا می‌تواند سوره یا آیاتی از سوره را بخواند و رکوع نماید؟

ج/ بعد أن أتم السورة في الركوع الثاني كما في السؤال يمكنه في الركوع الثالث أن يقرأ الحمد وسورة كاملة أو الحمد وجزء من سورة ويتم السورة في ما بقي من ركوعات.

پاسخ:

بعد از اتمام سوره در رکوع دوم ـ‌همان‌گونه که در سؤال مطرح شده است‌ـ می‌تواند در رکوع سوم حمد و یک سورۀ کامل، یا حمد و قسمتی از یک سوره را قرائت کند و در ما بقی رکوع‌ها آن سوره را تکمیل نماید.

س١٢٣/ ومن قرأ الحمد وسورة كاملة وركع في صلاة الآيات، فهل يلزمه أن يقرأ الحمد وسورة كاملة أيضاً قبل ركوعه الثاني، أم يكفيه قراءة الحمد وآية ثم إكمال بقية آيات السورة في الركوعات الآتية ؟

پرسش ۱۲۳:

در نماز آیات، کسی که حمد و یک سورۀ کامل را بخواند و رکوع کند آیا بر او لازم است که پیش از رکوع دوم حمد و یک سورۀ کامل نیز بخواند و یا می‌تواند حمد و آیه‌ای قرائت کند و سپس بقیۀ آیات را در رکوع‌های دیگر تکمیل نماید؟

ج/ يجوز أن يقرأ في الركوع الثاني الحمد وسورة ويجوز أن يقرأ الحمد وجزء من سورة على أن يتمها في بقية الركوعات.

پاسخ:

می‌تواند در رکوع دوم حمد و یک سوره بخواند و جایز است که حمد و قسمتی از یک سوره را بخواند و بقیۀ آیات آن سوره را در رکوع‌های باقی مانده تمام کند.

س١٢٤/ ما نفهمه من عبارة (الشرائع) أن هناك طريقتين لأداء صلاة الآيات، وسؤالي: هل يمكن الدمج بين الطريقتين في الركعة الواحدة، أو أن من بدأ بطريقة عليه الإكمال بنفس النحو ؟

پرسش ۱۲۴:

آنچه ما از عبارت موجود در (کتاب شرایع) متوجه می‌شویم این است که دو راه برای به جا آوردن نماز آیات وجود دارد و سؤال من این است که آیا دو راه را می‌توان در یک رکعت ادغام کرد یا کسی که روشی را شروع کرده است می‌باید بر‌اساس همان روش تمام کند؟

س/ يجوز الجمع بين الطريقتين.

پاسخ:

جمعِ بین دو روش جایز است.

س١٢٥/ استحباب الخمس قنوتات في صلاة الآيات، هل يقسم على الركعتين أم في كل ركعة ؟

پرسش ۱۲۵:

مستحب بودن پنج قنوت در نماز آیات، آیا بر دو رکعت تقسیم می‌شود یا در هر رکعت می‌باشد؟

ج/ يقسم على الركعتين.

پاسخ:

بر دو رکعت تقسیم می‌شود.

س١٢٦/ من شك في عدد ركوعات صلاة الآيات ماذا يفعل ؟

پرسش ۱۲۶:

کسی که در تعداد رکوع‌ها در نماز آیات شک کند چه بکند؟

ج/ يبني على الأقل ويتم الركوعات ويسجد سجدتي السهو بعد الصلاة.

پاسخ:

بنا را بر کم‌ترین می‌گذارد و رکوع‌ها را تمام می‌کند و دو سجدۀ سهو پس از نماز به جای می‌آورد.

س١٢٧/ هل يجوز الإتيان بصلاة الآيات لمن شك في حدوث الآية ؟

پرسش ۱۲۷:

آیا به جا آوردن نماز آیات برای کسی که در اتفاق افتادن آیه (که نماز آیات را واجب می‌کند) شک دارد جایز است؟

ج/ يجوز.

پاسخ:

جایز است.

\* \* \*

**صلاة الاستسقاء:**

**نماز درخواست باران (استسقا):**

س١٢٨/ ماذا يقصد بتحويل الرداء في صلاة الاستسقاء ؟

پرسش ۱۲۸:

مقصود از برگردانیدن عبا در هنگام نماز درخواست باران چیست؟

ج/ أي يحول ما على الكتف الأيمن إلى الأيسر وما على الأيسر إلى الأيمن أي يقلب الرداء.

پاسخ:

یعنی آنچه بر کتف راست قرار می‌گیرد را برکتف چپ و آنچه بر کتف چپ قرار می‌گیرد را بر کتف راست بگرداند؛ یعنی عبا را پشت و رو کنی.

\* \* \*

**سجدتا السهو:**

**دو سجدۀ سهو:**

س١٢٩/ ورد في كيفيتهما أن يتشهد تشهداً خفيفاً، ماذا يقصد بالتشهد الخفيف ؟

پرسش ۱۲۹:

در کیفیت سجدۀ سهو وارد شده است که یک تشهد سبک بخواند. منظور از تشهد سبک چیست؟

ج/ أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أنّ محمداً عبده ورسوله اللهم صل على محمد وآل محمد.

پاسخ:

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انّ محمداً عبده و رسوله، اللهمّ صل على محمد وآل محمد.

س١٣٠/ ورد في سجود السهو بالنسبة للإمام والمأموم: (ولو انفرد أحدهما كان له حكم نفسه)، ما المقصود بذلك ؟

پرسش ۱۳۰:

در مورد سجده‌های سهو در خصوص اِمام و مأموم آمده است: (و اگر برای یکی واقع شد حکم فقط برای خود او می‌باشد). مراد از آن چیست؟

ج/ أي: لو انفرد أحدهما بالسهو دون الآخر كان له حكم نفسه، أي فيما يترتب على سهوه.

پاسخ:

یعنی: اگر برای یکی از آن دو سهوی اتفاق افتاد و برای دیگری واقع نشد، حکم فقط برای خود او است؛ یعنی در چیزی که فراموشی‌اش بر آن عارض شده است.

\* \* \*

**قضاء الصلاة:**

**قضای نماز:**

س١٣١/ هل يصح أداء صلاة نافلة مستحبة لمن عليه قضاء صلاة واجبة، وما هي النافلة التي لو دخل فيها وذكر في أثنائها أن عليه فريضة استأنف الفريضة ؟

پرسش ۱۳۱:

آیا به جا آوردن نماز نافلۀ مستحب برای کسی که قضای نماز واجب برعهده‌اش می‌باشد صحیح است؟ و در چه صورتی اگر داخل در نماز نافله شود و در حین نماز به یادش بیاید که برعهده‌اش نماز واجبی است، باید نماز را با نیت نماز واجب دوباره شروع کند؟

ج/ يجوز أن يصلي نافلة إذا كان عليه قضاء صلاة واجبة غير مترتبة على الحاضرة، أما إذا كان عليه قضاء صلاة واجبة مترتبة على الحاضرة فيجب عليه قضاءها قبل أن يصلي النافلة أو الواجبة الحاضرة. ولو صلى الحاضرة وفي أثنائها ذكر الفائتة المترتبة عليها عدل إليها، أما لو صلى نافلة وذكر الفائتة لم يعدل بل يتم النافلة ثم يستأنف الفريضة الفائتة فيقضيها.

پاسخ:

به جا آوردن نماز مستحبی برای کسی که قضای نماز واجبی بر عهده‌اش است جایز می‌باشد، در صورتی که قضای نماز واجب، مترتّب بر نماز حاضر نباشد. اما اگر قضای نماز واجبی که مترتب بر نماز حاضر است بر عهده‌اش باشد، واجب است که او قبل از به جا آوردن نماز نافله یا نماز واجب حاضر، قضای آن را به جای آورد و اگر نماز حاضر را شروع کرد و در اثنای آن نماز فوت شدۀ مترتب بر نماز حاضر به یادش آمد باید از نیت نماز حاضر به نیت نماز فوت شده برگردد؛ ولی اگر وارد نماز نافله شد و در اثنای آن، نماز فوت شده به یادش آمد نباید از نیتش برگردد، بلکه باید نماز نافله را تمام کرده، سپس نماز واجب فوت شده را قضا نماید.

س١٣٢/ إذا كنت في سفر والصلاة فيها قصر ولم أصلِّ صلاة الظهر والعصر بسبب السفر وعندما وصلنا إلى البيت كان الوقت غروباً، فكيف أقضي الصلاة قصراً أو تماماً ؟

پرسش ۱۳۲:

اگر من در سفر باشم و نمازم شکسته باشد و نماز ظهر و عصرم را به سبب مسافرت نخوانم و هنگامی که به منزل برسم وقت غروب باشد، چگونه باید قضای نمازم را به جا آورم، شکسته یا تمام؟

ج/ ما فات يقضى كما فات، فلو أن وقت المغرب حل في السفر أي قبل الوصول تقضي ما فات قصراً ولو أن وقت المغرب حل بعد الوصول وقبل أداء الصلاة تقضى تماماً.

پاسخ:

آنچه فوت شده همان‌گونه که فوت شده است باید قضا شود؛ بنابراین اگر هنگام غروب در حین مسافرت ـ‌یعنی پیش از رسیدن‌ـ فرا رسیده باشد، باید نماز فوت شده را به صورت شکسته قضا کنی، و اگر زمان مغرب پس از رسیدن شما به خانه و پیش از ادای نماز فرا رسیده باشد، قضای نماز را باید به صورت تمام به جا بیاوری.

س١٣٣/ مطلوب صيام كثير، أيام كان في عافية وكذا الصلاة، والآن هو في غير عافية لأخذه العقاقير كعلاج، فما حكم القضاء أو الكفارة ؟

پرسش ۱۳۳:

شخصی روزه‌های بسیاری برای قضا کردن دارد؛ از روزهایی که در سلامت بوده است و همچنین نمازهای بسیار. اکنون بیمار است و در حال درمان. حکم قضا و کفّارۀ آنها چیست؟

ج/ المريض الذي في ذمته قضاء صلاة وصيام أيام كان في عافية إذا كان يرجو الشفاء من مرضه يتربص حتى يشفى ويقضي ويُكفّر، وإذا كان يُكفّر بإطعام مساكين فيجب عليه المبادرة حتى قبل الشفاء بإطعام المساكين، وإذا كان مرضه مزمناً ولا يستطيع الصيام فيدفع الفدية المعلومة عن كل يوم (٤/٣ كغم) من الطعام. أما الصلاة فيقضيها بما يتمكن من جلوس أو غيره بحسب ما يسمح حاله أو مرضه.

پاسخ:

بیماری که قضای نماز و روزۀ روزهای سلامتی بر گردن دارد، اگر امید به بهبودی دارد پس از بهبود یافتن آن را قضا کند و کفّاره بدهد و اگر می‌خواهد با إطعام مسکینان کفّاره دهد بر او واجب است که حتی قبل از بهبود یافتن اقدام به اطعام مسکینان نماید. اگر بیماری او مُزمن است و نمی‌تواند قضای روزه را به جای آورد فدیۀ مشخص که برابر با سه چهارم کیلوگرم طعام به ازای هر روز می‌باشد بدهد.

اما در خصوص نماز، به هر صورت که می‌تواند قضا کند؛ نشسته یا به هر وضعیتی که حالش یا مریضی‌اش اجازه می‌دهد.

س١٣٤/ المريض الذي قد يسلب مرضه فكره ويسبب له اختلاطاً في معرفة أوقات الصلاة والأحكام، هل تبقى الصلاة واجبة عليه ويقضي هو عن نفسه إن شُفي أو ابنه الأكبر إن مات وهو على حالته المذكورة ؟

پرسش ۱۳۴:

بیماری که بیماری‌اش گاهی اوقات فکرش را از او می‌گیرد و باعث اشتباهاتی در فهم اوقات و احکام نمازش می‌شود، آیا در چنین وضعیتی نماز واجبی بر عهده‌اش باقی می‌ماند و اگر بهبود یافت، خودش یا اگر در چنین وضعیتی مُرد، فرزند بزرگش قضا کند؟

ج/ إذا كان يعي وجوب الصلاة عليه فيجب عليه أن يصلي ضمن الحدود التي يتمكن الصلاة بها وقد بينتها في الشرائع وغيرها، أما إذا كان المرض قد غلب عليه بحيث فقد الوعي ولم يعد يميز حتى إن كان مستيقضاً أنّ الصلاة واجبة عليه فهذا يكون حاله كالمجنون والمغمى عليه من جهة سقوط الأداء والقضاء عنهما.

پاسخ:

اگر واجب بودن نماز بر خودش را به یاد داشته باشد، بر او واجب است با توجه به آنچه برایش مقدور می‌باشد نماز بخواند ـ‌که در کتاب شرایع و جاهای دیگر بیان کرده‌ام‌ـ؛ اما اگر بیماری‌اش آنچنان بر او غالب می‌شود که هوشیاری‌اش را از دست می‌دهد و حتی هنگامی که بیدار است تشخیص نمی‌دهد که بر او نماز واجب است، وضعیت چنین شخصی از نظر ساقط شدن به جا آوردن و قضای نماز، همانند دیوانه و بیهوش می‌باشد.

س١٣٥/ التارك للصلاة غير المستحل لتركها يعزر، كم يكون تعزيره ؟

پرسش ۱۳۵:

تارک الصلاتی که ترک نماز برایش حلال نیست تعزیر می‌شود. تعزیر او چگونه است؟

ج/ هذه أحكام لا يقوم بها إلا الإمام أو من يُعيَّنه لإقامتها وتعزيره كم يكون للإمام ولمن ينصبه لهذا الأمر.

پاسخ:

این احکام را کسی جز امام یا کسی که امام تعیینش کرده باشد اقامه نمی‌کند، و تعزیر آن ـ‌که چه مقدار است‌ـ فقط به دست امام یا کسی که از طرف امام برای این موضوع منصوب شده است، می‌باشد.

\* \* \*

**صلاة الإجارة:**

**نماز استیجاری:**

س١٣٦/ أعطاني احد المؤمنين مبلغاً قدره (١٠) آلاف فقط، عن بدل استئجار الصلاة عن والده المتوفى، فما حكم هذه الأمانة ؟

پرسش ۱۳۶:

یکی از مؤمنان مبلغ ۱۰ هزار به عنوان اجرت نماز پدر فوت‌شده‌اش به من داده است. حکم این امانت چیست؟

ج/ أخذ الأجرة مقابل الصلاة والصيام نيابة عن الميت باطل، حيث لا توجد نية قربة إلى الله سبحانه في هكذا صلاة أو صيام، فهو لولا الأجرة لما صلى ولما صام نيابة عن هذا الميت، فصلاته وصيامه قربة للمال لا لله سبحانه، وإذا لم يوجد الابن الأكبر الذي يجب عليه قضاء ما في ذمة الوالدين، أو كان موجوداً ولم يستطيع قضاء ما في ذمتهما ولم يوجد متبرع لأداء ما في ذمة الميت من صلاة وصيام، يتصدق عن الميت عن كل يوم صيام بمُد من الطعام، وعن صلاة اليوم والليلة بمُد من الطعام، فهذا المبلغ يعمل به بحسب ما تقدم من التفصيل، والحمد لله.

پاسخ:

دریافت اجرت در برابر نماز خواندن یا روزه گرفتن به نیابت از مرده باطل است چرا که در چنین نماز و روزه‌ای نیت نزدیک شدن به خداوند سبحان نیست؛ زیرا اگر اجرتی نباشد برای این متوفی نمازی خوانده و روزه‌ای گرفته نمی‌شود؛ بنابراین چنین نماز و روزه‌ای با نیت نزدیکی به مال انجام می‌شود نه با نیت نزدیکی به خداوند. اگر مرده پسر بزرگی ـ‌که قضای آنچه بر ذمۀ والدینش است بر او واجب باشد‌ـ نداشته باشد و یا پسری دارد ولی توانایی قضای آنچه بر ذمه‌شان است را نداشته باشد و داوطلبی هم یافت نشود که ذمۀ این متوفی را بری کند، به جای هر روز روزه یک مُد طعام و به جای نماز یک شبانه‌روز نیز یک مد طعام صدقه بدهد و با این مال براساس تفصیلی که پیش‌تر گفته شده است عمل نماید. والحمد لله.

س١٣٧/ وما مضی من هذا العمل والمال مقابله کيف هو ؟

پرسش ۱۳۷:

و حکم آنچه در گذشته انجام شده و مالی که در مقابلش گرفته شده، چگونه است؟

ج/ لا شيء عليكم فيما أديتم من صوم وصلاة مقابل أجر فيما مضى إن كنتم تجهلون أنها بدعة ولم تشرع في قرآن أو سنة عن النبي  وأهل بيته .

پاسخ:

در آنچه از نماز و روزه در برابر دریافت اجرت قبلاً ادا کرده‌اید، چیزی بر شما نیست، اگر نمی‌دانستید که اینها بدعت است و در قرآن یا سنّت منقول از پیامبر و اهل بیت او تشریع نشده است.

أما ما قبضتم عنه أجر من صوم وصلاة عن الأموات (الذين ماتوا على ولاية حجة الله في زمانهم أو من تجهل حالهم) ولم تؤدوه فيمكنكم التصدق عن الميت بالمبلغ كما تقدم.

آنچه به عنوان اجرت که به جهت ادای روزه و نماز برای اموات دریافت کرده‌اید (کسانی که بر ولایت حجت خدا در زمانشان مردند یا کسانی که وضعیت آنها را نمی‌دانید) و آنها را ادا ننموده‌‌اید، می‌توانید مبلغ را همان‌گونه که گفته شد به نیابت از مرده صدقه بدهید.

ويمكنكم أيضاً قضاء الصلاة والصوم عن الأموات الذين قبضتم أجراً عن القضاء عنهم فيما مضى (إن كنتم تجهلون أن الصلاة والصوم مقابل الأجر بدعة)، ولكن الآن تنوي القضاء عنهم قربة إلى الله لا لأجل الأجر الذي قبضته فيما مضى.

همچنین می‌توانید آنچه از قضای نماز و روزه برای اموات که در گذشته به جا آورده و در برابرشان اجرت دریافت کرده‌اید (اگر نمی‌دانستید که دریافت اجرت در برابر قضای نماز و روزه بدعت است) اشکالی ندارد اما اکنون می‌توانید قضای ایشان را با نیت نزدیکی به خداوند به جا آورید نه در برابر مالی که قبلا به عنوان اجرت دریافت کرده‌اید.

وبالنسبة لقضاء الصلاة فالقضاء في ليلة ثلاث وعشرين من رمضان يعدل ألف شهر، فلو كان في ذمة شخص مثلاً سنة قضاء أو عشر سنين أو حتى ألف شهر يكفيه قضاء يوم واحد في ليلة القدر.

در خصوص قضای نماز، قضا در شب بیست و سوم ماه رمضان برابر با هزار ماه است، و اگر بر ذمۀ شخصی به عنوان مثال دو سال یا ده سال یا حتی هزار ماه نماز قضا باشد، قضای یک روز در شب قدر، او را کفایت می‌کند.

س١٣٨/ ماذا إذا لم يكن المكلف يعلم بالحكم وكان قد صرف الأموال التي استلمها عن الميت سواء كانت عن صوم أو صلاة ؟

پرسش ۱۳۸:

اگر مکلّف حکم را نداند و اموالی که از طرف میّت چه در برابر نماز و چه در برابر روزه دریافت کرده است را مصرف نموده باشد، حکمش چیست؟

ج/ إذا كان فقيراً ومحتاجاً للمال وقد صرفه على طعامه وطعام عياله فهو صدقة عن الميت بقضاء ما في ذمته من صلاة أو صيام، وإن كان غنياً فعليه أن يتصدق بالمال عن الميت كما هو مبين في أجوبة سابقة.

پاسخ:

در صورتی که او فقیر و محتاج بوده و آن مبلغ را برای غذای خودش یا خانواده‌اش خرج کرده باشد، آن اموال صدقه از طرف مرده در عوض قضای نماز و روزه‌ای که برعهده‌اش می‌باشد محسوب می‌گردد؛ اما اگر بی‌نیاز می‌باشد ـ‌همان‌طور که در پاسخ‌های پیشین بیان شد‌ـ بر او واجب است آن اموال را از طرف مرده صدقه دهد.

س١٣٩/ وهل أخذ الأجرة مقابل قراءة القرآن كذلك ؟

پرسش ۱۳۹:

و آیا گرفتن اجرت در برابر خواندن قرآن نیز همان حکم را دارد؟

ج/ أخذ الأجر على قراءة القرآن بصوت (جهراً) جائز حتى وإن لم يحضرها أحد من الإنس فإنه يحضرها من لا ترونه من مؤمني الجن.

پاسخ:

دریافت اجرت در برابر قرائت قرآن با صدای بلند جایز است، حتی اگر انسانی حضور نداشته باشد؛ چرا که کسانی از مؤمنان جنّی که دیده نمی‌شوند حضور خواهند داشت.

\* \* \*

**صلاة الجماعة:**

**نماز جماعت:**

س١٤٠/ ورد في الشرائع: لا تجوز الجماعة في شيء من النوافل عدا الاستسقاء والعيدين مع اختلال شرائط الوجوب.. فما معنى: (ويجوز أن يأتم .. المتنفل بالمفترض والمتنفل والمفترض بالمتنفل في أماكن) الوارد في الشرائع أيضاً ؟

پرسش ۱۴۰:

در شرایع آمده است: (اقامۀ جماعت در هیچ یک از نمازهای مستحبی جز نماز طلب باران و عید فطر و قربان (اگر شرایط وجوب آن محقق نشود) جایز نیست...) حال این عبارت نیز که در شرایع آمده است به چه معنایی است: (و در بعضی از شرایط، شخصی که نماز با عنوان مستحبی می­خواند می­تواند به کسی که نماز واجب یا نماز با عنوان مستحبی می­خواند اقتدا کند، همچنین کسی که نماز واجب می­خواند می­تواند به کسی که نماز با عنوان مستحبی می­خواند اقتدا کند)؟

ج/ المتنفل هنا ليس من يصلي صلاة نافلة بل من يعيد صلاة واجبة وقد بينته العبارة التي بعدها في الشرائع وهي: (ويستحب أن يعيد المنفرد صلاته، إذا وجد من يصلي تلك الصلاة جماعة، إماماً كان أو مأموماً).

پاسخ:

در اینجا کسی که نماز مستحبی (نافله) می‌خواند به معنای کسی که نماز نافلۀ مستحبی می‌خواند نیست بلکه منظور کسی است که نماز واجب را دوباره می‌خواند و عبارتی که پس از آن در شرایع آمده نیز همین مطلب را تبیین می‌کند: (مستحب است که اگر کسی نمازش را فرادی می‌خواند و همان نماز به جماعت بر پا شود، آن نماز را تکرار کند، چه امام شود و چه مأموم).

س١٤١/ إذا نسي الإمام أو سها عن قراءة السورة بعد الفاتحة ودخل في الركوع فما وظيفة المأموم ؟

پرسش ۱۴۱:

اگر امام سوره را بعد از فاتحه از روی فراموشی یا سهو نخواند و در رکوع وارد شود وظیفۀ مأموم چیست؟

ج/ يركع معه ولا شيء عليه.

پاسخ:

به همراه امام رکوع کند و چیزی بر عهده‌اش نیست.

س١٤٢/ ما حكم إمامة من عليه حد ولم يقم عليه وقد تاب صاحب الذنب ؟

پرسش ۱۴۲:

حکم امامت کسی که باید بر او حد جاری شود ولی هنوز اجرا نشده و از گناهش نیز توبه نموده است چیست؟

ج/ تصح.

پاسخ:

صحیح است.

س١٤٣/ ما المقصود بـ (الأمي) في شروط إمام الجماعة ؟

پرسش ۱۴۳:

منظور از (امّی) در شروط امام جماعت چیست؟

ج/ أي من لا يقرأ ولا يكتب ولا يحسن قراءة القرآن.

پاسخ:

یعنی کسی که نمی‌تواند بخواند و بنویسد و قرآن را درست قرائت نمی‌کند.

س١٤٤/هل إمامة التمتام لا تجوز بمن يحسن قراءة الحرف فقط، أم لا تجوز مطلقاً ؟

پرسش ۱۴۴:

آیا امام بودن تمتام (کسی که تند و نامفهوم سخن بگوید) فقط برای کسی که حروف را به خوبی ادا می‌کند جایز نیست یا به طور کلی جایز نمی‌باشد؟

ج/ لا تجوز إمامته بمن يحسن القراءة، والتمتام الذي لا تجوز إمامته هو من يتغير المعنى بقراءته أو لا يفهم ما يقرأ كما هو واضح في الشرائع: (ولو كان الإمام يلحن في القراءة بحيث يتغير المعنى أو لا يفهم لم تجز إمامته بمتقن، وكذا من يبدل الحرف كالتمتام وشبهه).

پاسخ:

امام بودن این شخص برای کسی که قرائت نیکویی دارد جایز نمی‌باشد، و تمتامی (کسی که تند و نامفهوم سخن می‌گوید) که امامتش جایز نیست کسی است که با قرائتش معنا تغییر می‌یابد یا آنچه قرائت می‌کند قابل فهم نباشد؛ همان‌طور که در شرایع روشن می‌باشد: (اگر امام جماعت به گونه­ای قرائت می‌کند که معنی را تغییر می­دهد یا فهمیده نمی­شود، امامتش برای کسی که می‌تواند صحیح قرائت کند جایز نیست. همچنین کسی که (در تلفظ) حروف را تغییر می­دهد ـ‌مانند کسی که لکنت دارد یا شبیه به آن([[5]](#footnote-5))‌ـ نمی­تواند برای کسی که صحیح قرائت می­کند امامت کند).

س١٤٥/هل تقديم (الأفقه) في صلاة الجماعة تعني الأفقه مطلقاً، أم بأحكام الصلاة فقط ؟

پرسش ۱۴۵:

آیا مقدم داشتن شخص فقیه‌تر در نماز جماعت به معنی فقیه‌تر به طور مطلق است یا کسی است که فقط در احکام نماز فقیه‌تر می‌باشد؟

ج/ الأفقه مطلقاً.

پاسخ:

فقیه‌تر به طور مطلق.

س١٤٦/ ما المقصود بالمهاجرين والأعرابي الذي يكره إمامته لهم ؟

پرسش ۱۴۶:

منظور از مهاجرین و اعرابی ـ‌که امامتش بر آنها (مهاجرین) مکروه است‌ـ چیست؟

ج/ الأعرابي في هذا الزمن تنطبق على كل شخص منكب على الدنيا قليل الاهتمام بأمر الدين، والمهاجرون هم السابقون للإيمان الذين بذلوا أنفسهم وأموالهم وجهدهم لنصرة الدين وإعلاء كلمة الله.

پاسخ:

اعرابی در این زمان بر کسی که سرگرم دنیا و به دینش بی‌اعتنا است منطبق می‌باشد و مهاجرین، همان سبقت گرفتگان در ایمان هستند؛ کسانی که جان و مال و تلاششان را برای یاری دادن دین و بالا بردن کلمۀ الله فدا کرده‌اند.

س١٤٧/ هل تجب الصلاة جماعة وراء الإمام الأصل إن حضر ؟

پرسش ۱۴۷:

آیا نماز جماعت پشت امام اصلی اگر حاضر باشد واجب است؟

ج/ لا تجب.

پاسخ:

واجب نیست.

س١٤٨/ لو التحق قبل ركوع الإمام في الثالثة فهل يجب عليه الانتظار إلى حين ركوع الإمام ثم يلتحق، أو يكبر حتى لو علم أنه لا يكفيه الوقت لقراءة الحمد وسورة ؟

پرسش ۱۴۸:

اگر کسی پیش از رکوع رکعت سوم به امام ملحق شود آیا واجب است منتظر رکوع امام شود و سپس ملحق گردد، و یا تکبیر بگوید حتی اگر می‌داند زمان کافی برای قرائت حمد و سوره در اختیار ندارد؟

ج/ لا يجب عليه الانتظار إلى حين ركوع الإمام.

پاسخ:

منتظر ماندن برای رکوع امام بر او واجب نیست.

س١٤٩/ ماذا يتحمل الإمام عن المأموم في صلاة الجماعة ؟

پرسش ۱۴۹:

چه چیزهایی را امام از طرف مأموم در نماز جماعت به عهده می‌گیرد؟

ج/ يتحمل الإمام الأذان والإقامة إذا لم يتصدَ لها أحد المأمومين، ويتحمل القراءة في الأولى والثانية، وكذا يتحمل التكبير الواجب للركوع وللسجود وللرفع منه، فيصبح مستحباً للمأموم.

پاسخ:

امام اذان و اقامه را در صورتی که یکی از مأمومین متصدی آن نشده باشد بر عهده می‌گیرد. همچنین قرائت در رکعت اول و دوم را، و همچنین تکبیرهای واجب برای رکوع و سجود و سر برداشتن از آن را به عهده می‌گیرد؛ که اینها برای مأموم مستحب می‌گردند.

س١٥٠/ هل جلسة انتظار المأموم لها كيفية معينة لو كان الإمام يتشهد التشهد الوسط وهو في الأولى، أو كان في التشهد الأخير وهو يريد القيام للإكمال ؟

پرسش ۱۵۰:

آیا نشستن مأموم برای انتظار، کیفیت معینی دارد؛ آن زمانی که امام تشهد وسط را می‌خواند و او در رکعت اول است، یا اینکه امام در تشهد آخر نماز است و او می‌خواهد برخیزد تا نمازش را تکمیل نماید؟

ج/ يجلس جلوس الصلاة.

پاسخ:

مانند نشستن در نماز بنشیند.

س١٥١/ ورد في صلاة الجماعة: (ووقت القيام إلى الصلاة إذا قال المؤذن: قد قامت الصلاة، والأفضل بعد تمام الشهادة)، أي شهادة يقصد بها ؟

پرسش ۱۵۱:

در مورد نماز جماعت آمده است: (زمان ایستادن برای نماز جماعت هنگامی است که مؤذن (قد قامت الصلاة) را بگوید، و بهتر از آن بعد از پایان یافتن شهادت است). منظور، کدام شهادت می‌باشد؟

ج/ الشهادات الأربع.

پاسخ:

شهادت‌های چهارگانه.

س١٥٢/ ورد في صلاة الجماعة: (ولا تصح مع حائل بين الإمام والمأموم يمنع المشاهدة، إلا أن يكون المأموم امرأة)، والسؤال: هل يختلف الحكم باختلاف الحائل الذي يصح معه ائتمام المرأة، فمثلاً: مرة يكون الحائل حائطاً، وثانية يكون حائطاً ولكن فيه شباك أو باب مفتوح، وثالثة يكون ستارة (بردة) وهكذا ؟

پرسش ۱۵۲:

در مورد نماز جماعت آمده است: (اگر بین امام و مأموم، چیزی جلوی دیده شدن امام را بگیرد، نماز جماعت صحیح نیست، مگر اینکه مأموم زن باشد). سؤال این است که: آیا حکم برای زنان در خصوص مانع‌های مختلفی که با آنها نماز صحیح می‌باشد، فرق می‌کند؟ مثلا اگر مانع دیوار باشد، یا دیواری مشبک و یا با درب باز باشد، یا پرده‌ای باشد و نظایر اینها.

ج/ إذا كان حائط فيه شباك يسمح بمشاهدة الإمام فلا ينطبق عليه انه حائل يمنع المشاهدة، أما إذا كان حائط يمنع الاتصال مع الإمام بأي صورة حتى السماع فأيضاً لا يتصور أن تكون هناك صلاة جماعة فالحائل الذي تصح معه صلاة المرأة خلف الإمام هو حائل يسمح على الأقل بسماع صوت الإمام أو صوت من ينقل للمأمومين حركة الإمام مثل: ستارة أو جدار واطئ أو جدار من خشب رقيق أو جدار مثقب ... الخ.

پاسخ:

اگر دیوار مشبک باشد که به ماموم اجازۀ دیدن امام را می‌دهد مانعِ مشاهده کردن محسوب نمی‌شود، اما اگر دیوار مانع متصل شدن به امام به هر صورتی باشد تا آنجا که مانع از شنیدن شود، در این صورت چنین تصوری که در آنجا نماز جماعت برقرار است وجود نخواهد داشت. بنابراین مانعی که نماز زن با آن پشت سر امام صحیح است مانعی است که حداقل اجازۀ شنیدن صدای امام یا صدایی که از مامومین برای حرکت امام منتقل می‌شود را بدهد؛ مثل پرده یا دیوار کوتاه یا دیوار از چوب نازک یا دیوار مشبک یا سایر موارد.

س١٥٣/ لو أراد إمام الجماعة أن يستنيب وهو في الصلاة فكيف يستنيب، وهل يكمل النائب بهم الصلاة من حيث وصل الإمام أو يبتدئ بهم الصلاة من جديد ؟

پرسش ۱۵۳:

اگر امام جماعت بخواهد نایبی انتخاب کند درحالی که در نماز است چگونه نایب انتخاب کند؟ و آیا نایب می‌باید نماز آنها را از همان جایی که امام رسیده است تکمیل کند؟ یا باید از ابتدا نماز را دوباره شروع نماید؟

ج/ يستنيب بالإشارة أو بأن يقدمه بيده والنائب يكمل الصلاة من حيث وصل الإمام.

پاسخ:

با اشاره نایب انتخاب کند یا با دستش او را جلو بیندازد، و نایب، نماز را از همان جایی که امام رسیده است تکمیل نماید.

س١٥٤/ ولو عرض للإمام طارئ اضطره أن يترك الصلاة بلا استنابة أحد بدله، فهل تبطل صلاة المأمومين أم يجب عليهم أن ينووا الصلاة فرادى ويكملوا ؟

پرسش ۱۵۴:

اگر برای امام حَدَثی رخ داد که مجبور به ترک نماز شود بدون اینکه کسی را به جای خودش نایب قرار دهد، آیا نماز مؤمنان باطل می‌شود؟ یا بر آنها واجب است که نیّتشان را به فرادی برگردانند و نمازشان را تکمیل کنند؟

ج/ الأفضل أن يقدموا منهم إماماً ليتم بهم الصلاة جماعة، وإلا فيمكنهم أن يتم كل واحد منهم صلاته منفرداً.

پاسخ:

بهتر آن است که شخصی را به عنوان امام جلو بیندازند تا نماز را برایشان به جماعت تمام کند؛ در غیر این صورت هر یک از آنها می‌تواند نمازش را به صورت فرادی تمام کند.

س١٥٥/ ورد في صلاة الجماعة: (ويستحب للإمام أن يُسمِع من خلفه الشهادتين)، هل المقصود بهما التشهدين، أو الشهادتين في التشهد ؟

پرسش ۱۵۵:

در نماز جماعت آمده است: (و همچنین مستحب است شهادتین را با صدای واضح و رسا به کسانی که پشت سرش هستند، برساند). آیا منظور دو تشهد است؟ یا شهادتین در تشهد می‌باشد؟

ج/ المقصود الشهادتين في التشهد.

پاسخ:

منظور شهادتین در تشهد است.

\* \* \*

**ما يتعلق بالمساجد:**

آنچه مربوط به مسجدها می‌شود

س١٥٦/ يجوز استعمال آلة المسجد في غيره، هل المقصود بالغير بقية المساجد أو مطلق الغير ؟

پرسش ۱۵۶:

به کار بستن وسایل مسجد در غیر آن جایز نیست. آیا منظور از غیر، سایر مسجدها است؟ یا به طور مطلق، غیر مسجد می‌باشد؟

ج/ بقية المساجد.

پاسخ:

منظور سایر مسجدها است.

\* \* \*

**صلاة المطاردة:**

نماز مطارده یا نماز ترس شدید:

س١٥٧/ صلاة المطاردة تكون عندما يصل الحال إلى القتال بالسيوف، فهل يشمل هذا القتال بالأسلحة الحديثة اليوم ؟

پرسش ۱۵۷:

نماز مطارده (ترس شدید) در زمانی است که اوضاع به جنگ با شمشیر برسد. آیا این حکم، جنگ با اسلحه‌های امروزی را هم شامل می‌شود؟

ج/ نعم يشملها.

پاسخ:

بله، شامل می‌شود.

س١٥٨/ وما معنى المسايقة المذكورة في صلاة المطاردة ؟

پرسش ۱۵۸:

معنای (تن به تن) ذکر شده در نماز مطارده چیست؟

ج/ هو عندما يطارد عدواً أو يطارده عدو.

پاسخ:

هنگامی است که دشمنی را تعقیب می‌کند یا دشمن او را تعقیب می‌کند.

\* \* \*

**صلاة المسافر والوطن:**

نماز مسافر و وطن:

هذه عبارة الشرائع عن الوطن: (والوطن الذي يتم فيه: هو موضع سكنه واستقراره وكل موضع له فيه ملك أو شبهه - كأرض المقابلة أو الأنفال التي انتفع بها بإذن الإمام - قد استوطنه ستة أشهر متوالية فصاعداً، بشرط أن تكون في الملك دار للسكن).

عبارت زیر در کتاب شرایع در مورد وطن آمده است: (وطنی که نماز در آن کامل است: هر جایی که فرد دارای ملک یا مانند آن (مثل زمین زراعی یا انفالی که با اجازۀ امام معصوم از آن بهره می­برد) باشد و شش ماه پشت سر هم یا بیشتر در آن مکان سکونت داشته باشد به شرطی که در آن ملک محلی برای سکونت باشد).

س١٥٩/ وماذا إذا كانت الدار إرثاً وللشخص حصة فيه، هل تكون داراً للسكن للحكم بكون المكان وطناً ؟

پرسش ۱۵۹:

اگر خانه ارثی باشد و شخص سهمی در آن داشته باشد، حکمش چگونه است؟ آیا همین‌که خانه‌ای برای سکونت است، می‌توان حکم به وطن بودن آن مکان نمود؟

ج/ يجوز أن يحكم بأنه وطن له إذا كان قد سكن فيه ستة أشهر متوالية أو أكثر وكانت حصته تصلح ليسكن فيها.

پاسخ:

می‌توان به اینکه آنجا وطنش است حکم نمود در صورتی که شش ماه پشت سر هم یا بیشتر در آن سکونت کرده باشد، و سهم او صلاحیتِ سکونت در آن خانه را می‌رساند.

س١٦٠/ مسقط الرأس هل يعتبر وطناً مع أن سكنه في مكان آخر ؟

پرسش ۱۶۰:

آیا با وجود اینکه محل سکونتش در مکانی دیگر باشد، محل تولد، وطن محسوب می‌شود؟

ج/ مسقط الرأس لا يعتبر وطناً إلا مع تحقق الشروط المذكورة.

پاسخ:

محل تولد وطن محسوب نمی‌شود مگر با محقق شدن شروط گفته شده.

س١٦١/ توالي الستة أشهر هل يضر فيها سفره في أثنائها للزيارة مثلاً أو للعمل ثم عودته؟

پرسش ۱۶۱:

آیا به سفر رفتن ـ‌به عنوان مثال برای زیارت یا کار‌ـ و سپس بازگشتن، در شش ماه پشت سرهم بودن خللی وارد می‌کند؟

ج/ لا يضر.

پاسخ:

ضرری نمی‌زند.

س١٦٢/ هل نية الإعراض عن وطنه ورحيله إلى مكان آخر يؤثر على كون المعرض عنه وطناً من أول يوم الإعراض ؟

پرسش ۱۶۲:

آیا نیت رفتن از وطنش و کوچ کردنش به مکانی دیگر، تاثیری در وطن بودن مکان نیت شده از اولین روز نیت کردن به رفتن، دارد؟

ج/ الوطن الذي تتحقق به الشروط المذكورة يبقى وطناً وإن هجره، ولا يخرج عن كونه وطناً إلا مع انتفاء الشروط المذكورة. أما المكان الذي هو ساكن ومستقر فيه مع عدم وجود ملك له فيه فيتم فيه، ولكن إن هجره ومرّ به في سفره يقصر فيه ولا يقطع سفره.

پاسخ:

وطنی که شروط گفته شده در مورد آن محقق شده باشد وطن باقی می‌ماند اگرچه از آنجا هجرت کرده باشد، و از وطن بودن خارج نمی‌شود مگر با از بین رفتن شروط یاد شده. اما مکانی که در آن سکونت و استقرار دارد اگر ملکی در آنجا نداشته باشد، نماز در آنجا کامل است، ولی اگر از آنجا هجرت کند و در سفری از آنجا عبور نماید، نمازش در آنجا شکسته است و سفرش را قطع نمی‌کند.

س١٦٣/ لو لم يعرض عن وطنه السابق ولكنه عاش في مكان غيره سنين ولم يرجع إلى هناك للسكن، فهل يبقى المكان الأول وطناً ؟

پرسش ۱۶۳:

اگر کسی از وطن سابقش روی‌گردان نشده باشد ولی سال‌ها در مکان دیگری زندگی کرده و برای سکونت به آنجا برنگشته باشد، آیا هنوز مکان اول، وطن محسوب می‌شود؟

ج/ المكان الذي لا يزال يسكنه ويستقر فيه يتم فيه حتى يهجره ويعرض عنه، أما الوطن الذي يتحقق مع الشروط المذكورة فيبقى وطناً يتم فيه إلا مع انتفاء الشروط المذكورة، ولا يضره أنه هجره وأعرض عن السكن فيه.

پاسخ:

در مکان زندگی او مادامی که در آنجا استقرار و سکونت دارد نمازش تمام است تا هنگامی که از آنجا هجرت کند و از آنجا روی‌گردان شود. اما وطنی که شروط یاد شده در مورد آن محقق شده باشد، وطن او باقی می‌ماند و نماز در آنجا تمام است مگر هنگامی که شروط مذکور از بین برود؛ و اینکه او از آنجا هجرت کند یا از سکونت در آنجا روی‌گردان شود، ضرری به وطن بودنش نمی‌رساند.

س١٦٤/ من كان مستأجراً ولم يكن له ملك في المدينة التي يسكن فيها هل يعتبر ذلك وطناً له على الرغم من بقائه فيه سنين كثيرة ؟

پرسش ۱۶۴:

کسی که مستأجر است و ملکی در شهری که در آن سکونت می‌کند ندارد، آیا آنجا وطن او به حساب می‌آید، با وجود اینکه سال‌ها در آن ساکن بوده است؟

ج/ مكان سكنه واستقراره يتم فيه ومنذ أول يوم يسكنه ما دام قرر الاستقرار فيه، ولكن إن هجره وأعرض عنه لا يتم فيه إن مر به أثناء سفره ما دام ليس له ملك فيه مهما كانت مدة سكنه السابق في هذا المكان.

پاسخ:

در مكان سكونت و استقرارش از روز اولی که در آنجا ساکن شده تا زمانی که مقرر کرده در آنجا سکونت کند نمازش تمام است؛ ولی اگر از آنجا مهاجرت کند و از آن مکان روی بگرداند، اگر در طول سفرش از آنجا گذر کند نمازش تمام نیست، در صورتی که در آنجا ملکی نداشته باشد، هر چند سکونت پیشینش در این مکان بوده باشد.

\* \* \*

**مسألة "كثير السفر":**

**مسئلۀ کثیر السفر (سفر بیش از در وطن ماندن):**

هذه عبارة الشرائع حول من يتم: (وضابطه: كل من كان سفره أربعة أيام في الأسبوع أو ستة عشر يوما في الشهر أو ستة أشهر ويوم في السنة على الدوام أتم وصام في السفر ويبدأ بالتمام والصيام متى علم أن هذا حاله ولو كان في أول يوم من سفره).

این عبارت در کتاب شرایع در رابطه با کسی است که نمازش تمام می‌باشد: (ضابطه و ملاک تشخیص کثیرالسفر این است که کسی که سفرش به شکل مستمر چهار روز در هفته، یا شانزده روز در ماه یا شش ماه و یک روز در سال باشد باید نمازش را در سفر کامل بخواند و روزه بگیرد، و از زمانی که بفهمد وضعیتش چنین است حکم نماز و روزه­اش این‌گونه خواهد بود، حتی اگر اولین روز سفرش باشد).

س١٦٥/ وأول ما يبتدئ وقبل أن تمر هذه المدة كيف ؟

پرسش ۱۶۵:

و اولین دفعه‌ای که شروع می‌کند و پیش از اینکه این مدت سپری شود، چگونه است؟

ج/ موجود الجواب في أعلاه (ويبدأ بالتمام والصيام متى علم أن هذا حاله ولو كان في أول يوم من سفره).

پاسخ:

در پاسح بالا موجود است: (و از زمانی که بفهمد وضعیتش چنین است حکم نماز و روزه­اش این‌گونه خواهد بود، حتی اگر اولین روز سفرش باشد).

س١٦٦/ لو أن شخصاً لديه عقد عمل لمدة ثمانية أشهر مثلاً وهو يسافر خمسة أيام في الأسبوع لعمله ماذا يفعل؟

پرسش ۱۶۶:

اگر کسی قراردادی بسته باشد تا کاری را در مدت مثلاً هشت ماه انجام دهد و او پنج روز در هفته برای کارش مسافرت کند، حکمش چگونه است؟

ج/ أقل مدة يتم فيها هي ستة أشهر، أي لو كان عقده ستة أشهر فصاعداً فانه يتم.

پاسخ:

کمترین مدت زمانی که نماز در آن تمام است شش ماه می‌باشد؛ یعنی اگر قراردادش شش ماه و بیشتر باشد نمازش تمام است.

س١٦٧/ لو أنّ شخصاً عمل يوماً بعد يوم أو أسبوعاً بعد أسبوع وكان حاله أنّ سفره أكثر من حضره، ولكن عمله غير مستقر يعني ربما يكون لمدة أسبوع أو شهر أو شهرين فهو لا يدري بالمدة ولكنها على كل حال أقل من ستة أشهر، أي يعمل هكذا بعقد شهر بعد شهر أو بدون عقد الخ، سواء كان الترديد منه أو من رب العمل، فماذا يفعل ؟

پرسش ۱۶۷:

اگر کسی کارش یک روز در میان یا یک هفته در میان باشد و بیشتر در سفر باشد تا در وطن، ولی کارش همیشگی نباشد، یعنی چه بسا به مدت یک هفته یا یک ماه یا دو ماه مشغول کار باشد در حالی که مدت را نمی‌داند ولی در هر حال از شش ماه کمتر باشد، یعنی به این ترتیب با قرارداد یک ماه در میان یا بدون قرارداد کار می‌کند و ... فرقی نمی‌کند که تکرار آن از جانب او باشد یا از صاحب کار، چه باید بکند؟

ج/ مثل هذا لا يتم إلا بعد مضي ستة أشهر على عمله أي لو انه استمر ستة أشهر بهذا الحال بعدها يتم حتى لو كان عقده أسبوع أو عمله يومي.

پاسخ:

همانند چنین شخصی، نمازش تمام نیست مگر اینکه شش ماه از کارش بگذرد؛ یعنی اگر شش ماه به همین حالت باقی باشد، بعد از آن نمازش کامل است حتی اگر قراردادش هفتگی یا کارش روزانه باشد.

س١٦٨/ هؤلاء بعد إن استقر حالهم أنهم يتمون في السفر وبعد أن قضوا ستة أشهر أو أكثر في العمل أو السفر الذي هو أكثر من الحضر لو تركوا العمل أو السفر ولكنه ليس ترك إعراض وإنما ليبحث عن عمل آخر أو لطارئ ما الخ، ما هو حكمهم إن سافروا ليوم أو يومين هل يكون حالهم كالسابق أم يقصروا في السفر؟

پرسش ۱۶۸:

اینها بعد از اینکه در وضعیت‌شان استقرار یافت در سفر نمازشان را تمام می‌خوانند و پس از اینکه شش ماه یا بیشتر از کارشان سپری شود یا سفری که از مدت در وطن بودنشان بیشتر باشد. اگر کار یا سفر را ترک می‌کنند، ترک کردنشان به معنای روی گردانیدن نیست و فقط به دنبال کار دیگری می‌گردند یا به دلیل اتفاق دیگری است و یا ... حکم اینها اگر برای یک روز یا دو روز مسافرت کنند چیست؟ آیا وضعیت‌شان همانند گذشته است؟ یا در سفر، نمازشان شکسته می‌شود؟

ج/ يستمر حالهم كما هو حتى مع بقائهم في بيوتهم طالما لم يعرضوا عن الحال السابق حتى تنقضي ستة أشهر أي لو سافر أحدهم يوماً للزيارة أو العلاج مثلاً يتمّ.

پاسخ:

وضعیت‌شان همان‌گونه که بوده است ادامه خواهد یافت حتی اگر در خانه‌هایشان بمانند، تا زمانی که از وضعیت گذشته‌شان روی نگردانند، تا اینکه شش ماه سپری شود؛ یعنی اگر یکی از آنها یک روز برای مثال به زیارت یا معالجه برود باز هم نمازش تمام خواهد بود.

س١٦٩/ لو كان أحدهم يعلم منذ اليوم الأول لتركه للسفر أنه سيعرض عن السفر لأكثر من ستة أشهر ولكنه لن يعرض دائماً، ماذا يكون حاله ؟

پرسش ۱۶۹:

اگر یکی از آنها از اولین روز ترک وطن برای مسافرت بداند که به زودی از سفرِ به مدت بیشتر از شش ماه بازمی‌گردد ولی نه به طور دایم؛ وضعیت او چگونه خواهد بود؟

ج/ هذا يكون حاله منذ اليوم الأول لتركه للسفر إن سافر إلى مكان ما أنه يقصر.

پاسخ:

این شخص از اولین روزی که وطن را برای سفر ترک می‌کند به هر مکانی که مسافرت کند نمازش شکسته است.

\* \* \*

هذا آخر ما دوّنته في هذه الحلقة من أجوبة السيد أحمد الحسن صلوات ربي عليه فيما يتعلق بأحكام الصلاة، سائلاً الله تعالى أن يعم نفعه عباده المؤمنين. والحمد لله رب العالمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

این پایان آن چیزی است که در این قسمت از پاسخ‌های سید احمدالحسن ـ‌که سلام و صلوات پروردگارم بر او باد‌ـ در آنچه مربوط به احکام نماز بود تدوین نمودم. از خداوند متعال می‌خواهم که منفعت آن بندگان مؤمنش را دربرگیرد. حمد و ستایش تنها از آنِ خداوند، پروردگار جهانیان است؛ و سلام خداوند بر برترین خلقش، محمد و آل پاک و مطهر او، امامان و مهدیین، و سلام تام بر آنها باد.

\* \* \*

1. - غیبت نعمانی: ص ۱۲۹. [↑](#footnote-ref-1)
2. - ۲۴ آبان ۱۳۸۹ هجری شمسی (مترجم). [↑](#footnote-ref-2)
3. - مانند دستکش، جوراب، عرقچین و... (مترجم) [↑](#footnote-ref-3)
4. - مثلاً بیش از یک سانتی­متر خون باشد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-4)
5. - مانند کسی که نمی­تواند تلفظ حرف "ر" یا "ع" را صحیح ادا کند (احکام الشریعه بین السائل و المجیب جزء دوم، صلاة ص۱۳۰) (مترجم) [↑](#footnote-ref-5)